

آزمون های فقه استدلالی ۳

آزمون ۱

۱. برای زنی که بتواند با مهریه خود حج انجام دهد، و کسی که بدون حرج بتواند خانه بزرگ خود را تبدیل به خانه کوچکتر کرده و حج انجام دهد، به ترتیب انجام حج لازم است یا نه؟

لازم نیست - لازم نیست.

لازم است - لازم است.

لازم نیست - لازم است.

لازم است - لازم نیست.

۲. در کدام یک از موارد تحصیل استطاعت، حج بر مکلف واجب می شود؟

تحصیل الاستطاعة بالسعی

تحصیل الاستطاعة بقبول الهبة فیما إذا لم تكن مقیة بالحج

تحصیل الاستطاعة مع الحرج

تحصیل الاستطاعة مع البذل

۳. در صورتی که مکلف نیازمند امری ضروری مانند ازدواج باشد، اگر ترک آن مستلزم حرج باشد و یا مستلزم حرج نباشد، به ترتیب حج مقدم است یا امر ضروری؟

امر ضروری - امر ضروری

حج - حج

امر ضروری - حج

حج - امر ضروری

۴. دلالت حکم عقل بر فوریت وجوب حج، به چه بیانی است؟

از آنجا که دلالت امر بر فوریت بالوضع است، عقلا نیز این دلالت را تأیید کرده و حکم به فوریت انجام واجباتی مثل حج می نمایند.

از آنجا که دلالت امر بر فوریت بالوضع است، عقل نیز این دلالت را تأیید کرده و حکم به فوریت انجام واجباتی مثل حج می نماید.

عقلا حکم به فوریت واجب دارند مگر با وثوق به عدم فوات با تأخیر، و چون وثوق به بقا تا سال بعد نیست، حج باید فوراً انجام شود.

عقل حکم به فوریت واجب دارد مگر با وثوق به عدم فوات با تأخیر، و چون وثوق به بقا تا سال بعد نیست، حج باید فوراً انجام شود.

۵. کدام گزینه جزو ادله اثبات وجوب حج، نیست؟

آیه «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج».

حدیث «بنی الإسلام علی خمسة اشياء: علی الصلاة، و الزكاة، و الحج...»

آیه «و لله علی الناس حجّ البيت من استطاع إليه سبيلاً».

روایت «من مات و لم یحجّ حجة الاسلام لم یمنعه من ذلك حاجة تجحف به... فلیمت یهودیا أو نصرانیا».

۶. گزینه صحیح در مورد فوری بودن حج کدام است؟

وجوب الحجّ فوریّ فی كلّ مرة مع اجتماع الشرائط

وجوب الحجّ فوریّ فی كلّ مرّة الا مع العلم بالتدارک فی العام الآتی

وجوب الحجّ فوریّ مرة واحدة مع اجتماع الشرائط

وجوب الحجّ فوریّ فی مرة الاولى الا مع العلم بالتدارک فی العام الآتی

۷. مراد از «حجّة الاسلام» چیست؟

حجّی که در صورت اجتماع شرایط، یک بار بر مکلف واجب می شود.

حجّی که مکلف به نیابت از دیگری و با قصد قربت به جا می آورد.

هر حجّی که مکلف برای تحصیل شرایط آن خود را به زحمت می اندازد.

هر حجّی که با اجتماع شرایط، و در ایام مخصوص حج به جا آورده شود.

۸. کدام گزینه در اثبات یک بار بودن حج واجب، صحیح است؟

اطلاق تعبیر «حجة الاسلام» دلالت بر یک بار دارد، و مقیدی در مقابل آن وارد نشده است.

با توجه به اینکه فعل امر دلالت بر مرة دارد، ثابت می شود حج نیز یک بار واجب است.

با توجه به کثرت ابتلاء به آن، اگر بیش از یک بار واجب بود بین مسلمین شهرت می یافت.

با یک بار انجام حج، امر به انجام آن ساقط می شود، و لزوم تکرار آن نیاز به امر جدیدی دارد.

۹. اگر مکلف حج را «با ترک واجب اهم» و «با داشتن خطر جانی» به جا آورد، به ترتیب حج واجب او محسوب می شود یا نه؟

محسوب می شود - محسوب می شود.

محسوب نمی شود - محسوب می شود.

محسوب نمی شود - محسوب نمی شود.

محسوب می شود - محسوب نمی شود.

۱۰. کدام گزینه در مورد کسی که قبل از ایام حج نفقات حج برایش فراهم باشد، صحیح است؟

لا یستقرّ علیه الوجوب و لا یلزمه التحفظ علی الاستطاعة.

استقرّ علیه الوجوب و لزمه التحفظ علی الاستطاعة.

استقرّ علیه الوجوب و لا یلزمه التحفظ علی الاستطاعة.

لا یستقرّ علیه الوجوب و لکن لزمه التحفظ علی الاستطاعة.

۱۱. کدام گزینه در اثبات یک بار بودن حج واجب، صحیح است؟

با یک بار انجام حج، امر به انجام آن ساقط می شود، و لزوم تکرار آن نیاز به امر جدیدی دارد.

با توجه به کثرت ابتلاء به آن، اگر بیش از یک بار واجب بود بین مسلمین شهرت می یافت.

با توجه به اینکه فعل امر دلالت بر مرة دارد، ثابت می شود حج نیز یک بار واجب است.

اطلاق تعبیر «حجة الاسلام» دلالت بر یک بار دارد، و مقیدی در مقابل آن وارد نشده است.

۱۲. در صورتی که مکلف نیازمند امری ضروری مانند ازدواج باشد، اگر ترک آن مستلزم حج باشد و یا مستلزم حج نباشد، به ترتیب حج مقدم است یا امر ضروری؟

امر ضروری - حج

حج - حج

حج - امر ضروری

امر ضروری - امر ضروری

۱. با توجه به صحیحه «قوله عزّ و جلّ: "و لله على الناس حجّ البيت من استطاع إليه سبيلاً" ما يعنى بذلك؟ قال: من كان صحيحاً في بدنه، مخلصاً سريره، له زاد و راحلة» کدام گزینه در مورد نفقات حج، صحیح است؟

لا يحتمل ارادة خصوص عين الزاد، و لكن لا بدّ من القول بإرادة خصوص عين الراحلة.
لا يحتمل ارادة خصوص عين الراحلة، و لكن لا بدّ من القول بإرادة خصوص عين الزاد.
حيث لا يحتمل ارادة خصوص عين الزاد و الراحلة فلا بدّ من ارادة ما يعمّ ملك ثمنهما.
حيث يحتمل ارادة خصوص عين الزاد و الراحلة، فلا يمكن ارادة ما يعمّ ملك ثمنهما.

۲. کدام گزینه در مورد دلیل اشتراط حرّیت در وجوب حج، صحیح است؟

عدم خلاف در آن، و صحیحه «... ليس على المملوك حج و لا عمرة حتى يعتق».

حکم عقل، و صحیحه «... ليس على المملوك حج و لا عمرة حتى يعتق».

سیره متشرعه، حکم عقل و اجماع.

سیره عقلا، و عدم خلاف در آن.

۳. آیا لزوم اعتبار سلامت بر نفس، مال و عرض در تحقق استطاعت را می توان از آیه «و لله على الناس حجّ البيت من استطاع إليه سبيلاً» استفاده نمود؟

خیر؛ زیرا دخالتی در تحقق استطاعت ندارد.

خیر؛ زیرا آیه از این جهت، در مقام بیان نیست.

بله؛ زیرا بدون آن استطاعت صدق نمی کند.

بله؛ زیرا بدون آن، قواعد باب تراحم جاری می شود.

۴. دلیل اشتراط بلوغ و عقل در وجوب حج، کدام است؟

زیرا در غیر این صورت باید ولی یا وکیل متولی امور حج شود، و این بر خلاف اصل است.

زیرا فاقد بلوغ و عقل، معمولاً توانایی به جا آوردن مناسک حج را ندارد.

زیرا اطلاق آیه وجوب حج، با برخی نصوص دال بر اشتراط بلوغ و عقل تخصیص می خورد.

زیرا از شرایط عامه تکلیف هستند، و نصوص خاص هم بر اشتراط آنها دلالت دارد.

۵. دلیل اعتبار توان اداره معیشت بدون حرج بعد از بازگشت از حج، در تحقق استطاعت، چیست؟

قاعده نفی ضرر که مستند به سیره عقلا است.

قاعده نفی ضرر که مستند به روایت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است.

قاعده نفی حرج که مستند به آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» است.

قاعده نفی حرج که مستند به سیره عقلا است.

۶ آیا می توان قائل شد برای کسی که بدون حرج امکان اسکان در مکه وجود دارد، نفقه رفتن به مکه معتبر نیست؟

خیر؛ زیرا حج عبادتی مالی و بدنی است، و بدون نفقه رفتن، به صورت کامل محقق نمی شود.

بله؛ زیرا با سکونت در مکه استطاعت پیدا می کند و اطلاق آیه شامل او می شود.

بله؛ زیرا تفاوتی بین ساکن مکه و غیر او در اعتبار نفقات حج وجود ندارد.

خیر؛ زیرا بالفعل دارای استطاعت است و قول به اعتبار، تحصیل حاصل است.

۷ دلیل اعتبار وسعت وقت برای حضور در مناسک حج، در وجوب حج چیست؟

زیرا نصوص خاص متواتری بر اعتبار آن دلالت دارند.

زیرا بدون آن، قصد قربت از مکلف متمسکی نمی شود.

زیرا وسعت وقت از ادله عامه تکلیف به شمار می رود.

زیرا در غیر این صورت، تکلیف به ما لایطاق می شود.

۸ کدام گزینه در مورد دلیل اعتبار عدم مزاحمت حج با واجب اهم در تحقق استطاعت، صحیح است؟

فلدخول المورد تحت باب التزاحم القاضی بتقدیم الایم، فان دلیل الحج و الواجب الاخر عامان، فیقع التزاحم بینهما فی مقام الامتثال.

فلدخول المورد تحت باب التزاحم القاضی بتقدیم الایم، فان دلیل الحج و الواجب الاخر مطلقان، فیقع التزاحم بینهما فی مقام الامتثال.

فلدخول المورد تحت باب التعارض القاضی بتقدیم الارجح، فان دلیل الحج و الواجب الاخر مطلقان، فیقع التزاحم بینهما فی مقام التشریع.

فلدخول المورد تحت باب التعارض القاضی بتقدیم الارجح، فان دلیل الحج و الواجب الاخر عامان، فیقع التعارض بینهما فی مقام التشریع.

۹ با توجه به صحیح «قوله عزّ و جلّ: "و لله علی الناس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً" ما یعنی بذلک؟ قال: من کان صحیحاً فی بدنه، مخلصاً سریه، له زاد و راحلة» آیا نفقات هدایای حج نیز در استطاعت معتبر است؟

بله؛ زیرا صحیحه مطلق است و مقیدی هم ندارد.

بله؛ زیرا لفظ «استطاعة» مطلق است و مقیدی ندارد.

خیر؛ زیرا لفظ «استطاعة» شامل این موارد نمی شود.

خیر؛ زیرا قدرت بر آن در صحیحه ذکر نشده است.

آزمون ۳

۱. دلیل وجوب حج بر کسی که نیازمند ضروریات زندگی مثل مسکن باشد و ترک آن و انجام حج موجب حرج او نشود، چیست؟

تحقق استطاعت حج در حق او.

تقدم حج، با جریان قواعد باب تعارض.

عدم تقید استطاعت شرعی به مزاحمت با واجب دیگر.

تقدم حج، با جریان قواعد باب تراحم.

۲. لازمه نظر مشهور که عدم مزاحمت با واجب دیگر، هرچند واجب اهم نباشد را در استطاعت شرعی دخیل می دانند، چیست؟

امکان الاستطاعة عقلا مع المزاحمة و امکان وقوع الحج حج اسلام.

امکان الاستطاعة مع المزاحمة و من ثمَّ وقوع الحج حج اسلام.

انتفاء الاستطاعة رأساً مع المزاحمة و من ثمَّ عدم وقوع الحج حج اسلام.

انتفاء الاستطاعة ظاهراً مع المزاحمة و عدم امکان وقوع الحج حج اسلام.

۳. ثمره قول به عدم تقید استطاعت حج به زمان خاص، چیست؟

لزوم التحفظ علی الاستطاعة و وجوب تهيئة المقدمات بنحو الواجب المضيّق.

لزوم التحفظ علی الاستطاعة و وجوب تهيئة المقدمات بنحو الواجب الموسع.

لزوم التحفظ علی الاستطاعة و وجوب تهيئة المقدمات بنحو الواجب المعلق.

لزوم التحفظ علی الاستطاعة و وجوب تهيئة المقدمات بنحو الواجب المشروط.

۴. چرا قبول هبه غیر مقید به حج، برای تحصیل استطاعت لازم نیست؟

زیرا استطاعت حاصل شده از آن، برای صدق استطاعت کافی نیست.

زیرا باعث عسر و حرج برای مکلف است.

زیرا جزو موارد تحصیل استطاعت می باشد، که لازم نیست.

زیرا در صورت قبول آن، حج انجام شده مصداق حجة الاسلام نیست.

۵. دلیل لازم نبودن تحصیل استطاعت برای حج، چیست؟

زیرا با فلسفه وجوب حج قابل جمع نیست.

زیرا تحصیل مقدمه واجب، لازم نیست.

زیرا باعث عسر و حرج برای مکلف است.

زیرا حج با واجبات دیگر تفاوت ماهوی دارد.

۶ چرا در صورت اختلال شرایط استطاعت غیر از تزامم با واجب اهم، حج انجام شده مصداق حجة الاسلام نبوده و صحیح نیست؟

زیرا عدم اختلال این شرایط در موضوع حجة الاسلام اخذ شده است، لذا در صورت اختلال، محقق نمی شود.

زیرا دلیل اعتبار شرایط استطاعت غیر از تزامم، بر دلیل وجوب حج ورود دارند.

زیرا در مقام تعارض، دلیل اعتبار شرایط استطاعت غیر از تزامم، بر دلیل وجوب حج ترجیح دارند.

زیرا دلیل اعتبار شرایط استطاعت غیر از تزامم، بر دلیل وجوب حج حکومت دارند.

۷طبق قولی که تحقق استطاعت حج را مقید به زمان خاصی نمی داند، اگر مثلاً در ربیع الاول مستطیع شود، وجوب حج از چه زمانی بوده و به چه صورت است؟

از ابتدای ماه های حج، به صورت واجب مشروط.

از همان ماه ربیع الاول، به صورت واجب معلق.

از همان ماه ربیع الاول، به صورت واجب مشروط.

از ابتدای ماه های حج، به صورت واجب معلق.

۸ با توجه به اینکه در باب تزامم، امر به مهم مشروط به ترک اشتغال به اهم است، چرا با ترک واجب اهم، حج انجام شده مصداق حجة الاسلام بوده و صحیح است؟

زیرا با ترک واجب اهم، واجب مهم که حج است با امر اضطراری، به صورت صحیح واقع می شود.

زیرا با ترک واجب اهم، واجب مهم که حج است با امر ثانوی، به صورت صحیح واقع می شود.

زیرا با ترک واجب اهم، واجب مهم که حج است با توجه به مرحله جعل، به صورت صحیح واقع می شود.

زیرا با ترک واجب اهم، واجب مهم که حج است با امر ترتبی، به صورت صحیح واقع می شود.

۹. دلیل عدم وجوب حج بر کسی که نیازمند ضروریات زندگی مثل مسکن باشد و ترک آن و انجام حج موجب حرج او شود، چیست؟

ورود قاعده نفی حرج بر ادله اولیه، از جمله دلیل وجوب حج بر مستطیع.

تقدم قاعده نفی حرج در صورت تزام با واجب دیگر، مانند وجوب حج بر مستطیع.

ترجیح قاعده نفی حرج در صورت تعارض با واجب دیگر، مانند وجوب حج بر مستطیع.

حکومت قاعده نفی حرج بر ادله اولیه، از جمله دلیل وجوب حج بر مستطیع.

۱۰. با توجه به صحیحه «قلت لابی جعفر (ع): فان عرض علیه الحج فاستحیی، قال: هو ممن یستطیع الحج و لم یستحیی و لو علی حمار اجدع ابتر...» کدام گزینه در مورد کسی که هزینه حج به او بذل شده، صحیح است؟

لا یستقرّ علیه الوجوب و لو بالقبول، لعدم تحقق الاستطاعة الشرعیة.

یستقرّ الوجوب علیه بالقبول، لتحقق الاستطاعة الشرعیة.

لا یستقرّ الوجوب علیه، لعدم صدق عرض الحج علیه.

یستقرّ الوجوب علیه، لصدق عرض الحج علیه.

آزمون ۴

۱. علاوه بر آیه «فمن تمتع بالعمرة الى الحج» کدام گزینه جزو ادله تشکیل تمتع از عمره و حج است؟

وجود برخی روایات شاذ در این زمینه

عدم اختلاف بین فقهای شیعه

عدم اختلاف در میان مسلمین

عدم قول به فصل

۲. ترتیب صحیح اعمال حج، در کدام گزینه بیان شده است؟

احرام از یکی از مواقبت، و قوف عرفات، و قوف مزدلفه، رمی جمار، ذبح یا نحر، حلق یا تقصیر، طواف و نماز آن، طواف نسا و نماز آن، سعی.

احرام از مکه، و قوف عرفات، و قوف مزدلفه، رمی جمره عقبه، ذبح یا نحر، حلق یا تقصیر، طواف و نماز آن، سعی، طواف نسا و نماز آن.

احرام از مکه، وقوف مزدلفه، وقوف عرفات، رمی جمره عقبه، ذبح یا نحر، حلق یا تقصیر، طواف و نماز آن، طواف نسا و نماز آن، سعی.

احرام از یکی از مواقیت، وقوف عرفات، وقوف مزدلفه، رمی جمار، ذبح یا نحر، حلق یا تقصیر، طواف و نماز آن، سعی، طواف نسا و نماز آن.

۳. کدام گزینه جزو اقسام سه گانه حج، نیست؟

تمتع

عمره

قران

افراد

۴. ترتیب صحیح اعمال عمره، در کدام گزینه بیان شده است؟

احرام از یکی از مواقیت، سعی بین صفا و مروه، نماز طواف، طواف، تقصیر.

احرام از یکی از مواقیت، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، تقصیر.

احرام از یکی از مواقیت، طواف، سعی بین صفا و مروه، نماز طواف، تقصیر.

احرام از یکی از مواقیت، سعی بین صفا و مروه، طواف، نماز طواف، تقصیر.

۵. کدام گزینه در مورد مقایسه قران و افراد با تمتع، صحیح است؟

لا یختلف القران و الافراد عن التمتع فی کیفیة، و انما الاختلاف فی کمیة بعض الاجزاء.

لا یختلف القران و الافراد عن التمتع فی کیفیة، و انما الاختلاف فی بعض الامور الجانبیة.

لا یختلف الافراد عن التمتع فی کیفیة، و ذهب بعض الی اختلاف القران عن التمتع فی بعض الامور الجانبیة.

لا یختلف القران عن التمتع فی کیفیة، و ذهب بعض الی اختلاف الافراد عن التمتع فی بعض الامور الجانبیة.

۶ حج واجب بر «حاضری المسجد الحرام» و «غیر حاضری المسجد الحرام» به ترتیب، کدام یک از اقسام حج است؟

افراد - تمتع یا قران

تمتع یا افراد - تمتع

افراد یا قران - تمتع

تمتع یا قران - تمتع

۷. گزینه صحیح در مورد زمان «میبت فی منی» و «رمی جمار» در حج، به ترتیب کدام است؟

شب دهم و یازدهم - صبح دهم و یازدهم

شب دهم و یازدهم - روز یازدهم و دوازدهم

شب دوازدهم و سیزدهم - روز دوازدهم و سیزدهم

شب یازدهم و دوازدهم - صبح یازدهم و دوازدهم

۸. علاوه بر صحیح «سمعت اباعبدالله (ع) یقول: الحج ثلاثة اصناف: حج مفرد و قران و تمتع بالعمرة الى الحج...» کدام گزینه جزو ادله انقسام حج به اقسام سه گانه یاد شده است؟

عدم اختلاف بین فقهای شیعه

نصوص قرآنی وارد شده در این زمینه

عدم اختلاف در میان مسلمین

عدم قول به فصل

آزمون ۵

۱. کدام گزینه جزو ادله اثبات کیفیت حج است؟

السيرة المتوارثة بين جميع المسلمين يدا بيد من الائمة (ع)

السيرة المتشرعية الجارية بين جميع المسلمين الممضاة بعمل الجمهور

اتفاق جميع المسلمين على اصولها الأساسية عدا طواف النساء

النصوص التي يجمع کیفیتها كاملة

تفسیر «حاضری المسجد الحرام» نزد مشهور، کدام است؟

کسی که بین او و مسجد الحرام ۴۸ میل فاصله است.

کسی که بین او و مسجد الحرام ۷۰ میل فاصله است.

کسی که بین او و مسجد الحرام ۴۸ کیلومتر فاصله است.

کسی که بین او و مسجد الحرام ۶۴ کیلومتر فاصله است.

محل ابتلا بودن کیفیت حج برای جمیع مسلمین در طول زمان، با چه بیانی کیفیت حج را ثابت می کند؟

فعدم اختلافهم فيها يدل على تلقّيها من النبي (ص) يدا بيد جزما.

فعدم اختلافهم فيها يدل على تلقّيها من الائمة (ع) يدا بيد جزما.

فعدم اختلافهم فيها يدل على امضاء هذه السيرة بعمل المشهور.

فعدم اختلافهم فيها يدل على امضاء هذه السيرة بعمل الجمهور.

آیه «فمن تمتع بالعمرة إلى الحج فما استيسر من الهدى... ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اثبات تقدم عمره بر حج، در تمتع

اثبات کیفیت عمره

اثبات وجوب افراد یا قرآن بر حاضری المسجد الحرام، و تمتع بر غیر حاضری المسجد الحرام

اثبات کیفیت حج

علاوه بر صحیحه حلبی از امام صادق (ع) که کیفیت حج پیامبر (ص) را تفصیلا نقل نموده است، کدام گزینه جزو ادله اثبات کیفیت عمره می باشد؟

السيرة المتوارثة بين جميع المسلمين يدا بيد من النبي (ص)

السيرة المتشرعية الجارية بين جميع المسلمين الممضاة بعمل المشهور

السيرة الشرعية الجارية بين جميع المسلمين الممضاة بعمل الجمهور

السيرة المتوارثة بين جميع المسلمين يدا بيد من الائمة (ع)

آزمون ۶

۱. نظر مصنف در مورد روایاتی که یک سال مجاورت در مکه را برای احرام حج برای مجاور از جعرانه کافی می دانند، چیست؟

لإعراض المشهور عنها تكون ساقطة عن الاعتبار، بناء على اعتبار كبرى ذلك.

لا يمكن الركون عليها، لضعف سندها، و عدم امکان انجبار ضعفها.

الاجماع على خلافها، فيلزم رفضها، إن لم يكن الاجماع محتمل المدرك.

بعد التعارض بينها و بين الروايات الدالة باعتبار السنن، يلزم رفضها لموافقة العامة.

۲. کدام گزینه جزو مواقیت پنجگانه ای که پیامبر (ص) برای اهل آن و کسانی که از آن عبور می کنند تعیین فرموده اند، نیست؟

قرن المنازل

وادی العتیق

جعرانه

جحفه

۳. آیا می توان از صحیحہ «... إني أريد الجوار بمكة فكيف اصنع؟ قال: إذا رأيت الهلال هلال ذي الحجة، فأخرج إلى الجعرانة فأحرم منها بالحج...» استفاده کرد که میقات مجاور مکه، جعرانه است؟

نعم؛ لأنها تدل على أن ذلك وظيفة اهل مكة و تسرى إلى غيرهم بالمجاورة.

نعم؛ لأنها تدل على أن ذلك وظيفة اهل مكة، و المجاور يعدّ من اهل مكة عرفاً.

لا؛ لأنها تدل على أن ذلك وظيفة اهل مكة، و المجاور لا يعدّ من اهل مكة عرفاً.

لا؛ لأنها تدل على أن ذلك وظيفة اهل مكة و لا تسرى إلى غيرهم بالمجاورة.

۴. صحیحہ «... إن رسول الله (ص) وقتّ المواقیت لأهلها و من أتى علیها من غیر أهلها...» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه احرام اهل مواقیت پنجگانه و کسانی که از آن وارد می شوند، فقط از این مواقیت صحیح است.

اینکه اهل مواقیت پنجگانه و کسانی که از آن وارد می شوند، می توانند برای حج تمتع، از این مواقیت محرم شوند.

اینکه مواقیت پنجگانه تعیین شده توسط پیامبر (ص) اختصاص به اهل آن دارد، و شامل تمام کسانی که از آن وارد شوند، نیست.

اینکه مواقیت پنجگانه تعیین شده توسط پیامبر (ص) اختصاص به اهل آن ندارد، و شامل تمام کسانی است که از آن عبور کنند.

۵. صحیحہ «من أراد أن يخرج من مكة ليعتمر، احرم من الجعرانة أو الحديبية أو ما شبههما» مستند کدام مورد است؟

اینکه برای احرام از ادنی الحل، فقط برای عمره مفرده بعد از حج افراد می توان از جعرانه یا حدیبیه محرم شد.

اینکه برای احرام از ادنی الحل، می توان از غیر تنعیم نیز خارج شد.

اینکه برای احرام از ادنی الحل، فقط باید از جعرانه یا حدیبیه محرم شد.

اینکه برای احرام از ادنی الحل، بهتر است از جعرانه یا حدیبیه محرم شود.

۶. صحیحہ «... عن عمرو بن حریث و هو بمکة، قال: قلت لابی عبدالله (ع) من این اهل بالحج؟ فقال: إن شئت من رحلك و إن شئت من المسجد و إن شئت من الطریق» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه میقات کسی که یک ماه در مکه مانده و می خواهد از غیر طریق اهل مدینه محرم شود، محاذاة مسجد شجرة است.

اینکه میقات حج تمتع، مکه است.

اینکه میقات عمره مفرده برای کسی که در مکه می باشد، ادنی الحل است.

اینکه میقات حج برای کسی که در محدوده مکه می باشد، منزل او است.

۷. علاوه بر صحیحہ «قال ابو عبدالله (ع): المجاور بمكة يتمتع بالعمرة إلى الحج إلى سنتين فإذا جاوز سنتين كان قاطنا» کدام مورد دلالت دارد بر اینکه مجاور مکه، بعد از دو سال می تواند از جعرانه برای حج محرم شود؟

عرف

اجماع

سیره

شهرت

۸. کدام مورد نمی تواند از جعرانه محرم شود؟

اهل مکه، در حج قران

اهل مکه، در حج افراد

کسی که دو سال مجاور مکه بوده است

کسی که یک ماه در مکه اقامت داشته است

۹. میقات احرام برای کسی که در مکه است و می خواهد عمره مفرده به جا آورد، کدام است؟

مکه

ادنی الحل

محاذاة مسجد الشجرة

جعرانه

۱۰. با توجه به اینکه صحیحه «سألت ابا عبد الله (ع) عن المرأة الحائض إذا قدمت مكة يوم التروية، قال تمضى كما هي إلى عرفات، فتجعلها حجة ثم تقيم حتى تطهر، فتخرج إلى التنعيم فتحرم فتجعلها عمرة» در مورد عمره مفرده بعد از حج افراد است، می تواند دلیل بر این باشد که میقات برای احرام عمره مفرده برای کسی که در مکه می باشد، ادنی الحل است؟

نعم، يمكن اثبات التعميم إلى غير ذلك.

لا، لا يمكن اثبات التعميم إلى غير ذلك.

نعم، يمكن التعميم إلى غير ذلك بعدم القول بالفصل.

لا، لا يمكن التعميم إلى غير ذلك، لخصوصية المورد.

۱۱. میقات برای احرام حج تمتع، کدام است؟

مکه

ادنی الحل

محاذاة مسجد الشجرة

يلملم

آزمون ۷

۱. چرا احرام باید به داعی امتثال امر خداوند انجام شود؟

زیرا احرام به وسیله آن محقق می شود.

زیرا رکن اصلی اجزاء احرام است.

زیرا لازمه صحیح بودن تلبیه است.

زیرا لازمه عبادی بودن احرام است.

۲. گزینه صحیح در مورد طهارت در احرام، کدام است؟

لا تشترط في صحة الإحرام الطهارة من الحدث.

يشترط في صحة الإحرام الطهارة من الحدث و الخبث.

لا تشترط في صحة الإحرام الطهارة من الخبث.

لا تشترط في صحة الإحرام الطهارة من الحدث و الخبث.

۳. احرام با کدام یک از افعال زیر محقق می شود؟

قصد

لبس الرداء

التلفظ بالتلبیات الاربع

لبس الإزار

۴. کدام گزینه در مورد لباس احرام برای مردان، صحیح نیست؟

یلزم لبس الرجال الثوبین، بائزار احدهما و ارتداء الآخر.

لا یلزم الاقتصار علی الثوبین، بل تجوز الزیادة.

یلزم المباشرة فی لبس الثوبین، فلا یجوز معاونة الآخر.

لا تلزم استدامة لبس الثوبین.

۵. با توجه به صحیحه «...التلبیة أن تقول: لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إنَّ الحمد و النعمة لک و الملك لا شریک لک لبیک... و اعلم إنَّه لا بدَّ من التلبیات الاربع التي کنَّ فی اول الکلام، و هی الفریضة...» علاوه بر اثبات اینکه چهار لبیک اول در احرام واجب است، چه نکته دیگری در این زمینه ثابت می شود؟

اعتبار اداء تلبیات اربع، هرچند به صورت ملحون.

اعتبار عربیت در تلبیه، برای عرب و غیر عرب.

اعتبار عربیت در تلبیه برای عرب، و کفایت غیر عربی برای غیر عرب.

اعتبار اداء صحیح تلبیه، و عدم کفایت ملحون.

۶. گزینه صحیح در مورد قصد احرام، کدام است؟

قصد خاص، باتیان الفعل عن قصد القرية.

قصد الفعل بداعی امتثال امر الله سبحانه.

قصد الفعل الخاص بداعی امتثال امر الله سبحانه.

قصد الفعل مع تعیین الوجه فيه.

آزمون ۸

۱. نظر مصنف در مورد دلالت صحیحه «سئل ابو عبدالله (ع) من أين یجرد الصبیان؟ فقال: کان أبی یجردهم من فخ» بر لزوم لبس ثوبی الاحرام برای رجال، چیست؟

دلالت دارد؛ زیرا وقتی پوشیدن لباس احرام بر کودکان واجب باشد، به طریق اولی بر مردان نیز واجب است.

دلالت ندارد؛ زیرا فعل امام (ع) دلالت بر وجوب ندارد، بلکه نهایتاً دلالت بر رجحان دارد.

دلالت ندارد؛ زیرا مورد روایت خصوصیت دارد، لذا نمی توان از آن حکم مورد دیگری را به دست آورد.

دلالت دارد؛ زیرا وجوب آن نزد سائل مفروغ عنه بوده است، و نسبت به شمول آن بر کودکان سوال کرده است.

۲ روایات تجرید صبیان از فح، مانند صحیحه «سنل ابو عبدالله (ع) من این یجرد الصبیان؟ فقال: کان ابي یجردهم من فح» با چه بیانی می تواند دلالت بر وجوب پوشیدن لباس احرام برای مردان داشته باشد؟

قول السائل «من این یجرّد الصبیان» يدل على مفروغية وجوب لبس ثوبی الاحرام للرجال عنده، و الشک فی شموله للصبیان.

لزوم تجرید الصبیان و لبس ثوبی الاحرام بعده، يدل بالاولوية على لزوم لبس ثوبی الاحرام للرجال.

لو لا لزوم لبس ثوبی الاحرام لا موجب لتأخیر تجریدهم إلى فح، بل کان المناسب عدم تجریدهم رأساً.

لو لا لزوم لبس ثوبی الاحرام، لا موجب لتجریدهم، فالتجرید مقدمة لللبس الثوبین، و وجوب المقدمة یشعر بوجوب ذی المقدمة.

۳ صحیحه «الرجل إذا تهيأ للإحرام، فله أن يأتي النساء ما لم يعقد التلبية أو يلب» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه در احرام طهارت از خبث شرط نیست، بلکه بدون طهارت خبثیه نیز احرام محقق می شود.

اینکه در احرام طهارت از حدث شرط نیست، بلکه بدون طهارت حدثیه نیز احرام محقق می شود.

اینکه احرام به مجرد پوشیدن لباس احرام محقق نمی شود، بلکه لازمه تحقق آن، گفتن تلبیه است.

اینکه احرام به مجرد پوشیدن لباس احرام محقق نمی شود، بلکه یا باید نیت تلبیه کند، یا تلبیه را انجام دهد.

۴ نظر مصنف در مورد دلالت صحیحه «سألت ابا عبدالله (ع) عن التهيؤ للإحرام، فقال: اطل بالمدينة فإته طهور و تجهز بكل ما تريد، و إن شئت إستمتعت بقميصك حتى تأتي الشجرة فتفيض عليك الماء و تلبس ثوبيك إن شاء الله» بر لزوم لبس ثوبی الاحرام برای رجال، چیست؟

دلالت ندارد؛ زیرا امر به لبس ثوبین در کنار امر به مستحبات ذکر شده است، که موجب سستی ظهور امر در وجوب می شود.

دلالت دارد؛ زیرا در آن لزوم پوشیدن لباس احرام برای مردان با صراحت بیان شده و مورد تأکید نیز قرار گرفته است.

دلالت ندارد؛ زیرا بیان «إن شاء الله» بعد از امر به پوشیدن لباس احرام، مانع از ظهور آن در وجوب می شود.

دلالت دارد؛ زیرا امر به لبس ثوبی الاحرام در آن ظهور در وجوب دارد، و قرینه ای هم بر علیه این ظهور وجود ندارد.

۵. نظر مصنف در مورد چگونگی اثبات وجوب پوشیدن لباس احرام برای مردان، چیست؟

با توجه به دلالت ارتکاز وجوب آن بین مسلمین بر رسیدن آن از معصوم (ع)، نیازی به روایات نیست، زیرا فقط مشیر به این ارتکازند.

با توجه به وجود ابهام در برخی از اوصاف آن، می توان با استناد به روایات بیان کننده کیفیت احرام، وجوب آن را اثبات نمود.

با توجه به وجود ابهام در برخی اوصاف آن، می توان با استناد به روایات دال بر تجرید صبیان از فح، وجوب آن را اثبات نمود.

با توجه به اختلاف در برخی اوصاف آن در میان مسلمین، بدیهی است که تنها راه اثبات آن مراجعه به روایات موجود در این زمینه است.

آزمون ۹

۱. کدام گزینه در مورد بیان دلیل برای عدم اعتبار طهارت از حدث در احرام، صحیح است؟

وقتی دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد، استصحاب عدم وجوب جاری می شود.

نصوص دال بر اعتبار طهارت از حدث، به دلیل موافقت با عامه، کنار گذاشته می شوند.

از آنجا که تلازمی بین عبادیت و طهارت از حدث وجود ندارد، نمی توان قائل به اعتبار آن شد.

وقتی دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد، برائت از وجوب جاری می شود.

۲. دلیل عدم اعتبار استدامه لبس ثوبی الاحرام، چیست؟

وقتی دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد، برائت از وجوب جاری می شود.

نصوص دال بر لزوم استدامه، به دلیل موافقت با عامه، مرجوح بوده و کنار گذاشته می شوند.

وقتی دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد، استصحاب عدم وجوب جاری می شود.

امر به پوشیدن آن با یک بار پوشیدن امثال شده است، و استدامه آن نیاز به امر جدید دارد.

۳. طبق نظر مصنف، آیا قاعده اشتراک مکلفین در تکلیف، دلالت بر وجوب لبس ثوبی الاحرام علی المرأة دارد؟

خیر؛ زیرا مستند آن ضرورت بوده و قدر متیقن از آن حالت اتحاد ویژگی ها است، در حالیکه احتمالاً مرد بودن خصوصیت دارد.

بله؛ زیرا اطلاق آن شامل محل بحث نیز می شود، و احتمال خصوصیت برای مرد بودن، نمی تواند اطلاق آن را تقیید نماید.

خیر؛ زیرا اطلاق آن شامل محل بحث نمی شود، چرا که احتمال خصوصیت برای مرد بودن، می تواند موجب تخصیص آن باشد.

بله؛ زیرا مستند آن ضرورت بوده و قدر متیقن از آن حالت عدم تالی فاسد است، و در محل بحث نیز تالی فاسدی در پی ندارد.

۴. دلیل اینکه لباس احرام می تواند بیش از یک رداء و إزار باشد، چیست؟

وقتی دلیلی بر عدم جواز نیست، اصالة الحل جاری می شود.

وقتی دلیلی بر عدم جواز نیست، برائت از حرمت جاری می شود.

رداء و إزار اطلاق دارند، و شامل بیش از یک لباس هم می شوند.

وقتی عدد مفهوم ندارد، نمی توان از روایات یکی بودن إزار و رداء را استفاده کرد.

۵. دلیل مصنف برای لزوم تجرد از آنچه پوشیدن آن بر محرم حرام می باشد، چیست؟

زیرا معنای لغوی لبس، پوشیدن لباس بعد از تجرد از لباس دیگر است.

زیرا لازمه احرامی است که فرد در صدد تحقق آن می باشد.

زیرا معنای عرفی لبس، پوشیدن لباس بعد از تجرد از لباس دیگر است.

زیرا لازمه عبادی بودن احرام، تجرد از چیزهایی است که حرام می باشد.

۶. گزینه صحیح در مورد طهارت از خبث در حال احرام، کدام است؟

تعتبر فی الثوبین طیلة الاحرام لدلالة بعض الروایات علی ذلك.

لا تعتبر فی الثوبین، بل تعتبر فی الجوارح، لدلالة بعض الروایات علی ذلك.

لا تعتبر مطلقاً، لأن عدم اشتراط الطهارة من الحدث يدل علی عدم اشتراط الطهارة من الخبث بالاولوية.

تعتبر فی الثوبین حين الاحرام لدلالة بعض الروایات علی ذلك.

۷. دلیل اینکه لباس احرام مرد باید به صورت یک رداء و یک إزار باشد، چیست؟

انجبار ضعف سند الاخبار، بعمل المشهور.

انعقاد السيرة المتوارثة عليه.

تواتر اخبار الواردة فيه.

انجبار ضعف سند الاخبار، بفتوى المشهور.

۸. نظر مصنف در مورد وجوب لبس ثوبی الإحرام على المرأة، چیست؟

مع عدم الدليل على الوجوب يكون المرجع البرائة. ويبقى الاحتياط تحفظا من مخالفة المشهور امرا
مناسبا.

مع عدم الدليل على الوجوب يكون المرجع البرائة. و لا وجه على القول بالاحتياط تحفظا من مخالفة
المشهور.

مع عدم الدليل على الوجوب يكون المرجع الاحتياط، تحفظا من مخالفة المشهور، لشهرة الوجوب
عندهم.

مع عدم الدليل على الوجوب يكون المرجع الاحتياط، لإمكان تصحيح جريان قاعدة اشتراك التكليف
فى المقام.

۹. موثقه «سألت أبا عبدالله (ع) عن الحائض تريد الاحرام، قال: تغتسل و تستنثر و تحتشى بالكرسف
و تلبس ثوبا دون ثياب إحرامها...» با چه بیانی می تواند دلالت بر وجوب لبس ثوبی الاحرام على
المرأة داشته باشد؟

فإن قوله (ع) «و تلبس ثوبا» يدلّ على وجوب لبسها ثوبی الإحرام.

فإن قوله (ع) «تغتسل» يشعر بلزوم لبسها ثوبی الإحرام بعد الإغتسال.

فإنّ قوله (ع) «دون ثياب احرامها» يدلّ على وجوب لبسها ثوبی الإحرام.

فإنّ قوله (ع) «و تلبس ثوبا» يشعر بلزوم لبسها ثوبی الإحرام بعد الإغتسال

آزمون ۱۰

کدام گزینه در مورد کیفیت طواف، صحیح نیست؟

باید حجر اسماعیل را نیز داخل در مطاف گرداند.

باید هر شوط از حجر الاسود آغاز شده و به آن پایان یابد.

باید در تمام حالات طواف، کعبه را در سمت راست خود قرار دهد.

باید هفت شوط متوالی باشد.

در مورد شرایط طواف، کدام گزینه صحیح نیست؟

الطهارة من الخبث

الطهارة من خصوص حدث الاكبر

ستر العورة

الختان للذكور

نظر مشهور در مورد محدوده مطاف، کدام است؟

باید بین کعبه و مقام ابراهیم، و به همان مقدار در جوانب دیگر باشد.

باید بین کعبه و حجر اسماعیل، و به همان مقدار در جوانب دیگر باشد.

باید بین حجر الاسود و مقام ابراهیم، و به همان مقدار در جوانب دیگر باشد.

باید بین کعبه و شاذروان، و به همان مقدار در جوانب دیگر باشد.

چرا لازم است در طواف نیت کند که طواف را به قصد امتثال امر الهی به جا می آورد؟

زیرا لازمه عبادی بودن طواف است.

زیرا لازمه اشتراط طواف به طهارت است.

زیرا بدون آن، موالات طواف به هم می خورد.

زیرا بدون آن، طواف محقق نمی شود.

کدام گزینه می تواند دلیل بر اثبات عبادی بودن حج باشد؟

وقتی طهارت از حدث در طواف شرط می باشد، لذا مانند نماز عملی عبادی است.

ارتکاز عبادی بودن آن نزد متشرعه، که نسل به نسل از معصوم (ع) رسیده است.

وقتی طهارت از خبث در آن شرط می باشد، لذا مانند نماز عملی عبادی است.

ارتکاز عبادی بودن آن نزد مسلمین، چرا که از جمله شرایط آن، نماز طواف است.

آزمون ۱۱

۱. کدام گزینه در مورد نظر صاحب مدارک (ره) در اعتبار طهارت از خبث در لباس طواف کننده،

صحیح است؟

به دلیل ضعف دلالت روایاتی که مستند اعتبار طهارت از خبث هستند، قائل به استحباب طواف با طهارت از خبث است.

به دلیل اینکه ضعف سندی مستندات اعتبار طهارت از خبث در طواف با شهرت جبران می شود، قائل به اعتبار طهارت از خبث است.

به دلیل ضعف سند روایاتی که مستند اعتبار طهارت از خبث هستند، قائل به کراهت طواف در صورت عدم طهارت از خبث است.

به دلیل تام بودن روایاتی که مستند اعتبار طهارت از خبث هستند، قائل به بطلان طواف در صورت عدم طهارت از خبث است.

۲. صحیحه «... سألته عن رجل طاف بالبیت و هو جنب فذكر و هو فی الطواف، قال: یقطع الطواف و لا یعتد بشيء مما طاف. و سألته عن رجل طاف، ثم ذکر أنه علی غیر وضوء، قال: یقطع طوافه و لا یعتد به» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اشتراط طواف به طهارت از خصوص حدث اکبر.

اشتراط طواف به طهارت از حدث اکبر و اصغر.

اشتراط طواف به طهارت از خصوص حدث اصغر.

اشتراط طواف به طهارت از خبث، در بدن و لباس.

۳. آیا مصنف دلالت حدیث «... رأیت فی ثوبی شیئا من دم و أنا أطوف، قال: فاعرف الموضع ثم اخرج فاغسله ثم عد فابن علی طوافک» بر اعتبار طهارت از خبث در لباس طواف کننده را می پذیرد؟

بله؛ زیرا ضعف سند آن با فتوای مشهور جبران می شود.

خیر؛ زیرا از نظر دلالت ضعیف است.

بله؛ زیرا از نظر سند و دلالت، تام است.

خیر؛ زیرا از نظر سند ضعیف است.

۴. آیا مصنف دلالت روایت نبوی مشهور «الطواف بالبیت صلاة» بر اعتبار طهارت از خبث در لباس طواف کننده را می پذیرد؟

خیر؛ زیرا از نظر سند و دلالت، ضعیف است.

خیر؛ زیرا به دلیل ورود از طرق عامه، سند آن ضعیف است.

بله؛ زیرا از نظر سند و دلالت، تام است.

بله؛ زیرا شهرت، ضعف سندی آن را جبران می کند.

۵. اعتبار ستر عورت در طواف را با چه بیانی می توان از نبوی مشهور «الطواف بالبيت صلاة» ثابت نمود؟

با استناد به اطلاق لزوم ستر عورت از ناظر محترم.

با ضمیمه عمومات دال بر عبادی بودن طواف.

با ضمیمه عمومات دال بر لزوم حفظ حرمت مسجد الحرام.

با استناد به اطلاق تنزیل طواف به منزله صلاة.

۶. کدام گزینه در مورد حکم ذکر شده در صحیح «الأغلف لا يطوف بالبيت، و لا بأس أن تطوف المرأة» صحیح است؟

تختص بالممیز، و لا تشمل البالغ.

تشمل غیر البالغ، ممیزا کان او غیر ممیز.

تختص بالبالغ، و لا تشمل غیر البالغ مطلقا.

تشمل غیر البالغ، إذا کان ممیزا.

۷. با توجه به اینکه روایتی در زمینه اشتراط طهارت از خبث در بدن طواف کننده وارد نشده است، آیا می توان آن را با استناد به روایات دال بر اشتراط طهارت از خبث در لباس طواف کننده، ثابت نمود؟

نعم؛ لعدم الفرق، بل و للأولوية العرفية.

نعم؛ لامکان تسری حکم بتنقیح المناط.

لا؛ لعدم امکان الخروج من مورد الروایات، لخصوصية المورد.

لا؛ لعدم امکان تسری حکم بتنقیح المناط.

۸. با توجه به پذیرش اینکه دلیلی بر اشتراط طهارت از خبث در لباس طواف کننده وجود ندارد، نظر نهایی مصنف در این مورد چیست؟

یتمسک بالبرائة لفيها، و التنزل إلى الاحتياط تحفظا من مخالفة المشهور و مخالفة الرواية التي رواها العلمين أمر لازم.

یجرى استصحاب عدم الاشتراط، و التنزل إلى الاحتياط تحفظا من مخالفة المشهور أمر لازم.

یتمسک باصالة عدم اشتراط القيد الزائد، و التنزل إلى الاحتياط تحفظا من مخالفة الرواية التي رواها العلمين أمر لازم.

يجرى اصالة الحل، و التنزل إلى الاحتياط تحفظا من مخالفة المشهور و مخالفة الرواية التي رواها العلمين أمر لازم.

٩. كدام گزینه در بیان دلیل قول به شمول صحیحه «الأغلف لا يطوف بالبيت، و لا بأس أن تطوف المرأة» بر ممیز و عدم شمول نسبت به غیر ممیز، صحیح است؟

إذ الوارد فيها التعبير بـ «لا يطوف»، و المميّز لا يطوف، بل يطاف به، و معه يجرى استصحاب عدم الاشتراط في حقه.

إذ الوارد فيها التعبير بـ «لا يطوف»، و غير المميّز لا يطوف، بل يطاف به، و معه يتمسك بالبرائة عن الشرطية في حقه.

إذ الوارد فيها التعبير بـ «لا يطوف»، و المميّز لا يطوف، بل يطاف به، و معه يتمسك بالبرائة عن الشرطية في حقه.

إذ الوارد فيها التعبير بـ «لا يطوف»، و غير المميّز لا يطوف، بل يطاف به، و معه يجرى استصحاب عدم الاشتراط في حقه.

١٠. صحیحه «الأغلف لا يطوف بالبيت، و لا بأس أن تطوف المرأة» مستند كدام گزینه است؟

اعتبار خصوص الطهارة من الحدث الأكبر، في الطواف.

اعتبار طهارة البدن من الخبث، في الطواف.

اعتبار الختان في طواف الذكور.

اعتبار الطهارة من الحدث بكلا قسميه، في الطواف.

١١. طبق نظر مصنف آيا اعتبار ستر عورت در طواف با استناد به «لا يطوفن بالبيت عريان» ثابت می شود؟

بله؛ زیرا هم از جهت سند و هم از جهت دلالت، تام است.

خير؛ زیرا سند آن در تمام طرق، ضعيف است.

خير؛ زیرا حکم یاد شده در آن مجمل است.

بله؛ زیرا حکم یاد شده را به صراحت بیان کرده است.

١٢. كدام گزینه در بیان ثمره قول به شمول صحیحه «الأغلف لا يطوف بالبيت، و لا بأس أن تطوف المرأة» بر ممیز و عدم شمول نسبت به غیر ممیز، صحیح است؟

اگر صبی غیر ممیز اغلف طواف کند، بعد از بلوغ نمی تواند ازدواج کند، مگر بعد از تدارک طواف نساء.

اگر صبی غیر ممیز اغلف طواف داده شود، بعد از بلوغ نمی تواند ازدواج کند، مگر بعد از تدارک طواف نساء.

اگر صبی ممیز اغلف طواف کند، بعد از بلوغ نمی تواند ازدواج کند، مگر بعد از تدارک طواف نساء.

اگر صبی ممیز اغلف طواف کند، قبل از بلوغ نمی تواند ازدواج کند، مگر بعد از تدارک طواف نساء.

آزمون ۱۲

۱. دلیل اعتبار انجام طواف در بین بیت و مقام، چیست؟

سیره قطعیه متوارثه در میان جمیع مسلمین، دلالت بر اعتبار آن دارد.

مشهور است، با استناد به روایت محمد بن مسلم که تصریح در آن دارد.

مورد تسالم است، با استناد به صحیحه زراره که تصریح در آن دارد.

روایت علی بن جعفر بر آن دلالت دارد، البته با پذیرش انجبار ضعف سند با عمل مشهور.

۲. با توجه به صحیحه «سألت ابا عبدالله (ع) عن الطواف خلف المقام، قال: ما احبّ ذلک و ما أرى به بأساً، فلا تفعله إلا أن لا تجد له بدأً» روایت دال بر طواف بین بیت و مقام، بر چه معنایی حمل می شود؟

بیان حدود موضوع حکم.

بیان حکم از باب تقیه.

بیان وجه احتیاط.

بیان افضلیت.

۳. گزینه صحیح در مورد دلیل اینکه اشواط طواف هفت شوط می باشد، کدام است؟

کثرة ابتلاء المسلمین بها، مضافاً إلى عدم نقل الخلاف فیهم.

النصوص الواردة فی اعتبار اکمال الأشواط السبعة فی صحة الطواف.

التمسک بالسیرة المتوارثة بین جمیع المسلمین علی ذلک.

الروایات الدالة علی ذلک، بناء علی تمامية کبری الجابریة.

۴. مصنف با چه بیانی لزوم ادخال حجر در طواف را ثابت می کند؟

فلسیره المتوارثة بین جمیع المسلمین.

فلعدم صدق الطواف دونه.

فمتسالم علیه.

فللنصوص الخاصة.

۵. اعتبار توالی اشواط هفت گانه طواف، چگونه ثابت می شود؟

با توجه به اینکه لازمه تحقق اعداد توالی در میان آنها می باشد، در هر عملی که عدد دخیل باشد نیز توالی شرط است.

در صورت عدم توالی در میان اشواط، باید در هر بار از سرگیری آن نیت جدید نمود، و این با اعتبار یک نیت در طواف معارض است.

طواف عمل واحدی می باشد که از هفت شوط ترکیب شده است و بدون توالی عرفی، صدق نمی کند.

با استناد به عموم تنزیل در روایت «الطواف بالبيت صلاة»، ثابت می شود که تمام شرایط نماز از جمله توالی، در طواف نیز هست.

۶. آیا می توان لزوم ادخال حجر در طواف را با استناد به صحیحه «من اختصر فی الحجر الطواف فليعد طوافه من الحجر الأسود إلى الحجر الأسود» ثابت نمود؟

بله؛ زیرا مدرک مجمعی بر لزوم طواف در بین حجر و کعبه، همین صحیحه است.

بله؛ زیرا فراز «الاختصار فی الحجر» بیان لزوم طواف در بین حجر و بین کعبه است.

خیر؛ زیرا مراد از فراز «الاختصار فی الحجر» لزوم طواف در بین حجر و کعبه نیست.

خیر؛ زیرا با اینکه از نظر سند صحیحه می باشد، اما از نظر دلالت دارای اجمال است.

۷. دلیل اعتبار اینکه هنگام طواف، کعبه باید در سمت چپ طائف قرار بگیرد، چیست؟

اجماع فریقین بر این مطلب، بدون نقل خلاف.

عدم صدق طواف در صورت خلاف آن، نزد عرف.

سیره متوارثه بین جمیع مسلمین بر آن.

نصوص خاص وارد شده در این زمینه.

۸. صحیحه «قلت له: رجل طاف بالبيت فاستيقن أنه طاف ثمانية اشواط، قال: يضيف إليها ستة» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه باید اشواط طواف، به صورت متوالی باشد.

اینکه تعداد اشواط طواف، هفت شوط است.

اینکه اشواط طواف باید از حجرالأسود آغاز شده و به آن نیز ختم شود.

اینکه در صورت شک در تعداد اشواط، باید بنا را بر مقدار کمتر گذاشت.

۹. لزوم خارج بودن طواف از کعبه، با چه بیانی ثابت می شود؟

با توجه به سیره متوارثه در میان جمیع مسلمین، عنوان طواف وقتی محقق می شود که خارج از کعبه صورت گیرد.

با توجه به آیه «و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» اگر طواف خارج از کعبه نباشد، طواف خانه کعبه محقق نمی شود.

با توجه به صحیحه «من إختصر في الحجر الطواف فليعد...» اگر کعبه داخل در طواف شود موجب بطلان و لزوم تکرار است.

با توجه به آیه «و لله على الناس حج البيت» اگر طواف خارج از کعبه نباشد، طواف خانه کعبه محقق نمی شود.

آزمون ۱۳

لزوم خواندن نماز طواف خلف المقام أو احد الجانبيه، چگونه ثابت می شود؟

با استناد به سیره قطعیه متوارثه در میان جمیع مسلمین، بعد از عنایت به این مطلب که اگر غیر از آن واجب بود، حتما آشکار می شد.

با توجه به آیه «إِتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» اتخاذ مقام به عنوان مصلى محقق نمی شود مگر با نماز در خلف یا احد الجانبين.

با توجه به صحیحه «الطواف بالبيت صلاة» نماز در بیت محقق نمی شود مگر با نماز در خلف یا احد الجانبين مقام.

با استناد به روایاتی که با صراحت این نکته را بیان کرده اند، البته در صورتیکه جبران ضعف سند با فتوای مشهور، مورد پذیرش باشد.

کدام گزینه جزو ادله اثبات اصل وجوب نماز طواف، نیست؟

صحیحه «الطواف بالبيت صلاة».

قوله تعالى «إِتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» بعد الجزم بإرادة صلاة الطواف.

عدم الخلاف فيه بين المسلمين.

السيرة المتوارثة على الإتيان بها بنحو الجزم.

با توجه به اینکه دلیلی بر تعیین جهر یا اخفات در قرائت نماز طواف وجود ندارد، تخییر در قرائت آن چگونه ثابت می شود؟

با استناد به اشتغال در صورت الزام به کیفیت خاص.

با استناد به استصحاب عدم وجوب کیفیت خاص.

با استناد به برائت از تعیین جهر یا اخفات در قرائت.

با استناد به سیره قطعی متوارثه میان جمیع مسلمین.

در صورتیکه به جا آوردن نماز طواف خلف المقام یا احد جانبیه ممکن نباشد، فاصله انداختن در مکان نماز جایز است؟

خیر؛ زیرا عرف آن را مصداق نماز خلف المقام یا احد جانبیه نمی داند.

خیر؛ زیرا در این صورت شرط لازم نماز طواف، به جا آورده نشده است.

بله؛ زیرا عموم دلیل اثبات اصل وجوب نماز طواف شامل آن می شود.

بله؛ زیرا در این فرض احتمال نمی رود که تکلیف به نماز ساقط شود.

صحیحه «سألت أبا جعفر (ع) عن ركعتي طواف الفريضة، فقال: وقتها إذا فرغت من طوافك» مستند کدام یک از موارد زیر است؟

اعتبار عدم فاصله عرفی میان نماز طواف و طواف.

اثبات وجوب اصل نماز طواف.

بیان تعداد رکعات نماز طواف.

بیان مکانی که باید نماز طواف در آن خوانده شود.

کدام گزینه در مورد نماز طواف صحیح است؟

یلزم لكل طواف واجب الإتيان بعده بلا فاصل عرفی برکعات.

یلزم لكل طواف واجب أو مندوب الإتيان بعده بلا فاصل عرفی برکعتین.

یلزم لكل طواف واجب أو مندوب الإتيان بعده بلا فاصل عرفی برکعات.

یلزم لكل طواف واجب الإتيان بعده بلا فاصل عرفی برکعتین.

علاوه بر صحیحہ «...أولیس قال الله عزّ و جلّ: "إنّ الصّفا و المروة من شعائر الله فمن حجّ البيت أو اعتمر فلا جناح علیه أن یطوّف بهما" ألا ترون أنّ الطواف بهما واجب مفروض...» وجوب سعی در عمره و حج، با چه دلیلی ثابت می شود؟

السیرة القطعیة المتوارثة یدا بید علی فعله فیهما بنحو اللزوم.

تسالم الفقہی علیہ، مستندا إلى نصوص الخاصة الواردة فیہ.

الروایات الواردة فی المقام، بناءً علی تمامية كبرى الجابریة.

ضرورته بین المسلمین، علی وجه لا یمکن التّشکیک فیہ.

کدام مورد از صحیحہ «...ثمّ طُفّ بینهما سبعة اشواط تبدء بالصفاء و تختم بالمروة» قابل استفادہ است؟

آنّہ یجوز بداية السعی من المروة و الختم بالصفاء.

انّ الذّهاب شوط و الإیاب شوط، و لیس المجموع واحدا.

انّ السعی واجب فی العمرة و الحجّ.

من بدء سعيه من مروة، یجوز له الإعادة.

صحیحہ «من بدء بالمروة قبل الصفا، فلیطرح ما سعی و یبدء بالصفاء قبل المروة» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

جواز ابتدای سعی از صفا و ختم آن به مروة.

لزوم ابتدای سعی از صفا و ختم آن به مروة.

لزوم ابتدای سعی از مروة و ختم آن به صفا.

جواز ابتدای سعی از مروة و ختم آن به صفا.

دلیل عدم اعتبار ستر عورت در سعی، کدام است؟

فلبرائة بعد عدم الدلیل.

فللتسالم علیہ مستندا إلى النصوص.

فللقصور فی مقتضى الستر.

فلاستصحاب العدم الإزلی.

آیا می توان با تمسک به صحیحه «لا بأس أن تقضى المناسك كلها على غير وضوء إلا الطواف، فإن فيه صلاة، و الوضوء افضل» که طهارت را در غیر از طواف معتبر نمی داند، عدم اعتبار طهارت از حدث و خبث در سعی را ثابت نمود؟

بله؛ زیرا قطعاً قضاء در آن به معنی انجام فعل به صورت اداء است.

خیر؛ زیرا فراز «و الوضوء افضل» قرینه بر اختصاص بیان به حکم طواف است.

بله؛ زیرا با ضمیمه عدم فرق بین اداء و قضاء، قابل اثبات است.

خیر؛ زیرا معنی قضاء در آن دارای اجمال است، لذا قابل استناد نیست.

دلیل اعتبار نیت در سعی، به معنی انجام آن با قصد قربت، چیست؟

زیرا بدون آن، موالات سعی به هم می خورد.

زیرا لازمه اشتراط سعی به طهارت است.

زیرا لازمه عبادی بودن سعی است.

زیرا بدون آن، سعی محقق نمی شود.

کدام گزینه از جمله ادله اثبات هفت شوط بودن سعی بین صفا و مروء است؟

ضروری بودن آن در میان مسلمین.

اجماع فریقین، بنابر عدم احتمال مدرکی بودن آن.

تسالم فقهی، با استناد به روایات خاص.

سیره منتشره، که با عدم ردع، تأیید شده است.

آزمون ۱۵

آیا می توان با استناد به صحیحه «متمتع حلق رأسه بمكة، قال: إن كان جاهلاً فليس عليه شيء، و إن تعمد ذلك في أول شهور الحج بثلاثين يوماً فليس عليه شيء و إن تعمد بعد الثلاثين يوماً التي يوفّر فيها الشعر للحجّ فإنّ عليه دما يهريقه» عدم حلیت حلق به وسیله انجام تقصیر را ثابت نمود؟

خیر؛ زیرا به دلیل اجمال، دلالت بر مطلب یاد شده ندارد.

بله؛ زیرا نسبت به عدم حلیت حلق با تقصیر تصریح دارد.

بله؛ زیرا عرفاً، وجوب دادن کفاره ملازم با حرمت است.

خیر؛ زیرا این صحیحه از این جهت در مقام بیان نیست.

صحيحه «إذا فرغت من سعيك و أنت متمتع، فقصر من شعرك من جوانبه و لحيتك و... فإذا فعلت ذلك فقد أحلت من كل شيء...» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

تفاوت بين تقصير در حج واجب و مستحب.

عدم كفايت حلق و نتف، از تقصير.

لزوم انجام تقصير با قصد امتثال امر الهی.

حلیت محرّمات احرام به وسیله تقصير.

اصل وجوب تقصير بعد از عمره تمتع و اینکه باید بعد از سعی باشد، علاوه بر صحيحه «إذا فرغت من سعيك و أنت متمتع، فقصر من شعرك من جوانبه و لحيتك و... فإذا فعلت ذلك فقد أحلت من كل شيء...» با چه دلیلی ثابت می شود؟

ضرورت مذهب.

ضرورت فقه.

سیره منتشره.

تسالم فقهای شیعه.

با توجه به اطلاق صحيحه «محرّم يقصر من بعض و لا يقصر من بعض، قال: يجزیه» که دلالت بر كفايت تقصير از موی هر بخشی از بدن دارد، و صحيحه «إذا فرغت من سعيك و أنت متمتع، فقصر من شعرك من جوانبه و لحيتك و خذ من شاربك و قلم اضفارك و أبق منها لحجك...» که دلالت بر تقصير از موهای ذکر شده و چیدن ناخن دارد، نتیجه بررسی دو صحيحه چیست؟

حمل صحيحه اول بر بیان حکم تقصير در غير از حَجَّة الاسلام.

ترجیح صحيحه اول، به دلیل موافقت صحيحه دوم با تقیه.

حمل صحيحه دوم بر تفسير قصر ذکر شده در صحيحه اول.

حمل صحيحه دوم بر افضلیت تقصير به صورت یاد شده.

لزوم داشتن نیت قربت در تقصير، با چه بیانی ثابت می شود؟

زیرا لازمه عبادی بودن تقصير است.

زیرا بدون آن، برخی محرّمات احرام حلال نمی شوند.

زیرا بدون آن، تقصير محقق نمی شود.

زیرا با لزوم نیت در آغاز حج، لزوم آن در مناسک آن نیز ثابت می شود.

چرا حلق و نتف، كفايت از تقصير نمی کند؟

زیرا دلیلی بر کفایت حلق و نتف از تقصیر وجود ندارد، بنابر این برائت از وجوب آن جاری می شود.

زیرا بین اعمال حج و عمره تفاوت وجود دارد و نمی توان قائل به کفایت حلق و نتف از تقصیر، در حج و عمره شد.

زیرا آنچه به آن امر شده تقصیر است، و کفایت حلق و نتف از آن نیازمند دلیل می باشد که چنین دلیلی وجود ندارد.

زیرا حلق باید بعد از اتمام اعمال حج و عمره صورت گیرد، لذا انجام آن بعد از سعی، زمینه اخلاص در اعمال حج است.

آزمون ۱۶

دلیل بر رکن بودن مسمای و قوف در عرفات، با اینکه مقدار واجب مجموع آن می باشد، چیست؟
السيرة القطعية المتوارثة بين جميع المسلمين.

تسالم الاصحاب.

ضرورة الفقه.

صحیحة مسمع بن عبدالملك.

صحیحه «رجل أفاض من عرفات قبل غروب الشمس، قال: إن كان جاهلا فلا شيء عليه، و إن كان متعمدا فعليه بُدنة» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه کیفیت معینی برای وقوف در عرفات، بیان نشده است.

اینکه انتهای زمان وقوف واجب در عرفات، غروب است.

اینکه فرد مضطر می تواند قبل از غروب از عرفات خارج شود.

اینکه از جمله واجبات حج و عمره، وقوف در عرفات است.

آیا با استناد به روایاتی مانند صحیحه معاویة بن عمار که بیانگر کیفیت حج پیامبر (ص) هستند، می توان وجوب اصل وقوف در عرفات را ثابت نمود؟

بله؛ زیرا هر چند فعل معصوم (ع) دال بر وجوب نیست، اما با ضمیمه اینکه حضرت در مقام تعلیم مناسک اند، وجوب ثابت می شود.

خیر؛ زیرا دلالت فعل معصوم (ع) بر وجوب محل تردید است، در نتیجه صحیحه دلالت بر وجوب ندارد، و در حد مؤید می تواند باشد.

خیر؛ زیرا معلوم است که فعل معصوم (ع) دال بر وجوب نیست، و اگر دلالت بر وجوب هم داشت، اجمال صحیحه مانع از آن می شد.

بله؛ زیرا صحیحه یاد شده هم از نظر سند و هم از نظر دلالت بر مطلب تام است، و نظر مخالفی از علمای شیعه در آن وجود ندارد.

نظر مصنف در مورد نحوه اثبات قول مشهور که ابتدای وقوف در عرفات را زوال روز نهم ذی الحجة می دانند، چیست؟

ضرورت فقهی و عدم نقل خلاف در مورد آن، موجب اطمینان به این است که ابتدای وقوف در عرفات، زوال می باشد.

سیره قطعیه متوارثه در میان جمیع مسلمین بر لزوم آغاز وقوف در عرفات از ابتدای زوال، این قول را ثابت می کند.

این قول از نصوص قابل استفاده نیست، لذا برای مخالفت نکردن با مشهور، مقتضای احتیاط آغاز آن از زوال است.

این قول مطابق با نصوص بسیاری است که در بیان کیفیت حج وارد شده اند، لذا زمان ابتدای آن از زوال است.

دلیل اعتبار قصد و عدم کفایت خواب یا بیهوشی در طول مدت وقوف در عرفات، چیست؟

زیرا عرف آن را مصداق وقوفی که جزو مناسک حج است، به شمار نمی آورد.

زیرا در حالت خوابیدن یا بیهوشی، نمی توان انجام عمل را به مکلف نسبت داد.

زیرا در آن قصد قربت لازم است، و فرد خواب یا بیهوش فاقد قصد قربت است.

زیرا روایات مختلفی نسبت به عدم کفایت وقوف در این موارد تصریح دارند.

کدام یک از موارد ذیل را نمی توان از صحیحه «رجل أفاض من عرفات قبل غروب الشمس، قال: إن كان جاهلاً فلا شيء عليه، و إن كان متعمداً فعليه بُدنة» استفاده نمود؟

کفاره خروج از عرفات قبل از غروب، یک بدنه است.

انتهای زمان وقوف واجب در عرفات، غروب آفتاب است.

مسمای وقوف در عرفات، رکن است.

مجموع وقوف در عرفات، رکن نیست.

اصل وجوب حضور در عرفات را با استناد به کدام دسته از روایات می توان اثبات نمود؟

الروایات الدالة على حرمة الإفاضة قبل الغروب.

الروایات البیانیة الواردة فی عدّ محرّمات الإحرام.

الروایات الدالّة علی لزوم الوقوف فی المزدلفة.

الروایات البیانیة الواردة فی كيفية إحرام الحج.

نظر مصنف در مورد اشکال فاضل هندی به این بیان که ماندن در عرفات باید به صورت وقوف باشد نه جلوس و غیر آن، زیرا وقوف عرفی و لغوی بر آن صدق نمی کند، چیست؟

آن را می پذیرد؛ زیرا با فلسفه وجوب حج و وقوف در عرفات، کاملاً قابل تطبیق است.

آن را می پذیرد؛ زیرا استدلال وی تام بوده و به هیچ وجهی قابل خدشه نیست.

آن را نمی پذیرد؛ زیرا ادله مختلفی بر عدم تعین کیفیت خاص در وقوف وجود دارد.

آن را نمی پذیرد؛ زیرا روایت مورد استناد وی مورد اعراض اصحاب بوده و ضعیف است.

دلیل بر وجوب اصل حضور در عرفات چیست؟

مقتضای سیره متشرعه که با عدم ردع از سوی شارع مقدس مورد تأیید می باشد.

مقتضای روایات موجود در این زمینه، با پذیرش انجبار ضعف سند با فتوای مشهور.

مقتضای اطلاق ادله وجوب حج، که شامل وجوب تک تک مناسک آن نیز می شود.

مقتضای سیره قطعیه متوارثه در میان همه مسلمین بر انجام آن به صورت لزوم.

کدام گزینه جزو ادله اثبات عدم اعتبار کیفیت خاص در وقوف در عرفات، نیست؟

اصل برائت.

سیره قطعیه متوارثه در میان همه مسلمین.

صدق عرفی و لغوی وقوف بر تمام حالات.

با توجه به کثرت ابتلاء مسلمین به آن، اگر کیفیت خاصی واجب بود، آشکار می شد.

آزمون ۱۷

گزینه صحیح در مورد زمان وقوف اضطراری در مزدلفه برای کسانی که دارای عذر هستند، کدام است؟

المسمّی من طلوع الفجر الی طلوع فجر یوم العید.

المسمّی من طلوع الشمس الی زوال یوم العید.

المسمّى من الليل الى طلوع الشمس.

المسمّى من الليل الى طلوع الفجر.

وقت وقوف در مزدلفه، چه زمانی است؟

بعد از خروج از عرفات، قبل از طلوع روز دهم ذی الحجة تا طلوع آفتاب.

بعد از قربانی، بعد از طلوع روز یازدهم ذی الحجة تا زوال.

بعد از خروج از عرفات، بعد از طلوع روز دهم ذی الحجة تا زوال.

بعد از قربانی، قبل از طلوع روز یازدهم ذی الحجة تا طلوع آفتاب.

کدام گزینه جزو ادله اثبات اصل وجوب حضور در مزدلفه، نیست؟

مقتضای سیره قطعیه متوارثه در میان همه مسلمین.

روایات وارد شده در این زمینه، بعد از پذیرش انجبار ضعف سند با فتوای مشهور.

صحيحه حلبی «...و إن قدم رجل و قد فاتته عرفات فليقف بالمشعر الحرام...».

آیه «فإذا أفضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعر الحرام».

ابتدای وقوف در مزدلفه نزد مشهور، چه زمانی است؟

قبل از طلوع فجر

طلوع فجر

قبل از زوال

طلوع آفتاب

چه مقداری از وقوف در مزدلفه رکن است؟

مسمای وقوف در ما بین الطلوعین

وقوف بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب

مسمای وقوف در بین طلوع تا زوال

وقوف بین طلوع آفتاب تا زوال

گزینه صحیح در مورد ترخیص شارع برای زنان و ضعفا در وقوف در مزدلفه، کدام است؟

الوقوف بعد طلوع الشمس و الإفاضة قبل الزوال.

الوقوف ليلا و الإفاضة قبل طلوع الفجر.

الوقوف بعد طلوع الفجر و الإفاضة قبل الزوال.

الوقوف ليلا و الإفاضة قبل طلوع الشمس.

آزمون ۱۸

مراد از رکن در مناسک حج، مانند مقدار رکن از وقوف واجب در مشعرالحرام، چیست؟

ما كان تركه عن عمد و من دون الإضطرار موجبا لفساد الحج.

ما لم يكن تركه موجبا لفساد الحج بل يتدارك بالفدية.

ما كان تركه عن عمد أو سهو أو اضطرار موجبا لفساد الحج.

ما لم يكن تركه موجبا لفساد الحج بل يقتضى التدارك فى المستقبل.

استناد به صحیحه «أصبح على طهر بعد ما تصلى الفجر فقف إن شئت قريبا من الجبل... ثم ليكن من قولك: اللهم ربّ المشعر الحرام...» بر اینکه طبق نظر مشهور ابتدای وقوف در مزدلفه از طلوع فجر می باشد، به چه بیانی است؟

با توجه به فراز «قفف إن شئت قريبا من الجبل» مراد از وقوف قبل از طلوع فجر، وقوف در مشعر است.

به قرینه «اللهم رب المشعر الحرام» مراد، وقوف در مشعر قبل از طلوع فجر است.

با توجه به تقدم طهارت برای صلاة فجر بر آن، مراد وقوف قبل از طلوع فجر است.

امر به صبح کردن در مشعر الحرام دلالت بر عم جواز تأخیر از طلوع فجر دارد.

استناد به صحیحه «فقد تمّ حجّه إذا أدرك المشعر الحرام قبل طلوع الشمس و قبل أن يفيض الناس، فإن لم يدرك المشعر الحرام فقد فاتته الحج» بر این که مقدار رکن وقوف در مشعر الحرام مسمای حضور در بین الطلوعین می باشد، به چه بیانی است؟

فإنّ التّحديد بطلوع الشمس و قبل إفاضة الناس يدلّ على كفاية المسمّى فى الوقوف.

فإنّ فوت الحج بعدم ادراك المشعر الحرام يدلّ على كفاية المسمّى فى الإدراك.

فإنّ الإدراك قبل افاضة الناس يتحقق بالمسمّى فى فترة الوقوف الواجب.

فإنّ تعليق تمام الحج بإدراك المشعر الحرام، يدلّ بالالتزام على تحقّقه بالمسمّى فى الوقوف.

آیا می توان وجوب وقوف در مزدلفه تا طلوع آفتاب را از صحیحه «لا تجاوز وادی محسّر حتى تطلع الشمس» استفاده نمود؟

بله؛ زیرا مراد از وادی محسّر همان مشعر الحرام می باشد، و نهی در صحیحه نیز به معنای حرمت خروج قبل از طلوع آفتاب است.

خیر؛ زیرا با توجه به اینکه راوی جزو ذوی الأعدار بوده است، نهی در حق او به معنای افضلیت عدم خروج قبل از طلوع می باشد.

بله؛ زیرا نهی از خروج قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر که از حدود مشعر الحرام است، دلالت بر لزوم ماندن تا طلوع دارد.

خیر؛ زیرا با پذیرش دلالت نهی در صحیحه بر لزوم ماندن تا طلوع آفتاب، مراد از وادی محسّر در آن به روشنی معلوم نیست.

آیا مصنف استناد به صحیحه «أصبح على طهر بعد ما تصلى الفجر فقف إن شئت قريبا من الجبل... ثم لیکن من قولک: اللهم ربّ المشعر الحرام...» بر اینکه طبق نظر مشهور ابتدای وقوف در مزدلفه از طلوع فجر می باشد، را می پذیرد؟

خیر؛ زیرا فراز «قفف إن شئت قريبا من الجبل» موجب اجمال مضمون آن می شود، چرا که مراد از آن به روشنی بیان نشده است.

بله؛ زیرا فراز «ثم لیکن من قولک: اللهم ربّ المشعر الحرام» قرینه بر این است که مراد، بیان ابتدای وجوب وقوف در مشعر الحرام است.

بله؛ زیرا تنها مستند مشهور همین روایت است، و مورد تسالم فقها بوده و نقل خلافی در مقابل آن نشده است.

خیر؛ زیرا اشتغال سیاق آن بر مستحبات مانع ظهور در وجوب است، و اینکه مراد اصباح در مشعر الحرام باشد نیز مورد تشکیک است.

با توجه به صحیحه «من أفاض من عرفات إلى منى فلیرجع و لیأت جمعا و لیقف بها و إن کان قد وجد الناس قد أفاضوا من جمع» و صحیحه «جاءنا رجل بمنى فقال: انی لم ادرك الناس بالموقفین جمیعا... فدخل اسحاق بن عمار علی ابی الحسن (ع) فسأله عن ذلك، فقال: إذا أدرك مزدلفة فوقف بها قبل أن تزول الشمس یوم النحر فقد أدرك الحج» کدام یک از موارد ذیل ثابت می شود؟

اینکه مقدار رکن از وقوف واجب در مشعر الحرام، مسمای وقوف مابین طلوع فجر تا زوال آفتاب روز عید است.

اینکه مقدار رکن از وقوف واجب در مشعر الحرام، مسمای وقوف مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید است.

اینکه موقف اضطراری برای ذوی الأعدار، مسمای وقوف در مشعر الحرام مابین طلوع آفتاب تا زوال روز عید است.

اینکه موقف اضطراری برای ذوی الأعدار، مسمای وقوف در مشعر الحرام مابین طلوع فجر تا زوال روز عید است.

صحیحه «رخص رسول الله (ص) للنساء و الضعفاء أن یفیضوا عن جمع بلیل...» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

ترخیص ذوی الأعدار برای انجام وقوف در مشعر الحرام در شب و خروج قبل از طلوع فجر.

بیان زمان آغاز وقوف واجب در مشعر الحرام برای افرادی که غیر از زنان و ضعفا هستند.

ترخیص زنان و ضعفا برای انجام وقوف در مشعر الحرام در شب و خروج قبل از طلوع فجر.

بیان زمان آغاز وقوف واجب در مشعر الحرام برای افرادی که غیر از ذوی الأعدار هستند.

نظر مصنف در مورد اینکه طبق نظر مشهور، ابتدای وقوف در مزدلفه از طلوع فجر می باشد، چیست؟

با توجه به اینکه اشتغال یقینی ذمه مقتضی فراغ یقینی است، باید ابتدای وجوب وقوف قبل از طلوع فجر باشد.

وقتی التزام به آن مانعی برای مکلف پیش نمی آورد، بنابراین می توان برای همراهی با مشهور، آن را پذیرفت.

با توجه به عدم دلیل بر آن، برائت جاری می شود و می توان به صورت قطعی فتوا به عدم لزوم آن صادر کرد.

اصل برائت آن را نفی می کند، لذا این حکم مبنی بر احتیاط است، برای اینکه مخالفت با مشهور صورت نگیرد.

استناد به صحیحه «أصبح علی طهر بعد ما تصلی الفجر فقف إن شئت قریبا من الجبل... ثم لیکن من قولک: اللهم رب المشعر الحرام...» بر اینکه طبق نظر مشهور ابتدای وقوف در مزدلفه از طلوع فجر می باشد، به چه بیانی است؟

امر به صبح کردن در مشعر الحرام دلالت بر عم جواز تأخیر از طلوع فجر دارد.

به قرینه «اللهم رب المشعر الحرام» مراد، وقوف در مشعر قبل از طلوع فجر است.

با توجه به تقدم طهارت برای صلاة فجر بر آن، مراد وقوف قبل از طلوع فجر است.

با توجه به فراز «قفق إن شئت قریبا من الجبل» مراد از وقوف قبل از طلوع فجر، وقوف در مشعر است.

آزمون ۱۹

کدام گزینه جزو ادله اثبات اینکه رمی جمره عقبه در روز دهم باید با هفت سنگ ریزه صورت گیرد، نیست؟

سیره متواتره بین مسلمین از زمان پیامبر (ص)

روایات وارد شده در این زمینه مانند صحیحه معاویه بن عمار

ضرورت مذهب

تسالم بین مسلمین

طبق نظر مصنف آیا می توان با استناد به روایت «لا تأخذ من حصی الجمار» اعتبار بکر بودن سنگ ریزه ها در رمی جمره را ثابت نمود؟

خیر؛ زیرا سند آن به دلیل وجود سهل در آن، ضعیف است.

خیر؛ زیرا با اینکه دلالت آن تام است، اما مورد اعراض مشهور است.

بله؛ زیرا ضعف سند آن با فتوای مشهور قابل جبران است.

بله؛ زیرا هم از جهت سند و هم از جهت دلالت، تام است.

در بیان نحوه اثبات اعتبار احراز اصابت سنگ ریزه ها به جمره، کدام گزینه صحیح نیست؟

لاستصحاب عدم تحقق الإصابة الواجبة.

لأن المطلوب رمی الجمره لا مطلق الرمی.

لدلالة روایات الدالة على استحباب التكبير عند رمی كل واحدة من الحصیات و رمیها خذفا.

لأن اشتغال یقینی يستدعی الفراغ یقینی.

در بیان نحوه اثبات وجوب رمی جمره عقبه در روز دهم ذی الحجة، با استناد به روایات ترخیص النساء فی الإفاضة بلیل و رمی الجمره، کدام گزینه غلط است؟

برای خوف از ازدحام در روز دهم، به افراد مذکور ترخیص داده شده است آن را در شب انجام دهند.

مراد از «الجمرة» که معرف به لام عهد است، جمره عقبه می باشد.

ترخیص یاد شده، دلالت بر این دارد که آنچه واجب است رمی جمره عقبه در روز دهم می باشد.

ترخیص یاد شده، مختص زنان نیست و شامل دیگر ذوی الأعدار نیز می شود.

چرا لازم است در رمی جمره عقبه در روز دهم نیت کند که آن را به قصد امتثال امر الهی به جا می آورد؟

زیرا لازمه اشتراط آن به طهارت است.

زیرا لازمه عبادی بودن آن است.

زیرا رمی جمره، بدون این قصد محقق نمی شود.

زیرا بدون آن، موالات مناسک به هم می خورد.

طبق نظر مصنف، کدام گزینه در مورد اثبات اعتبار توالی در رمی جمره عقبه در روز دهم، صحیح نیست؟

یکفی لإثباته السیرة المتوارثة علی فعل ذلك بنحو اللزوم.

یؤید ذلك روایات الدالة علی استحباب التكبير عند رمی كل واحدة من الحصیات و رمیها خذفا.

لا یمكن استفادته من النصوص بشكل صریح.

یثبت تمسكا بعدم احتمال الفرق بینه و بین رمی الجمرتین الاخرتین.

در بیان نحوه اثبات اعتبار احراز اصابت سنگ ریزه ها به جمره، کدام گزینه صحیح نیست؟

لدلالة روایات الدالة علی استحباب التكبير عند رمی كل واحدة من الحصیات و رمیها خذفا.

لأن اشتغال یقینی یستدعی الفراغ یقینی.

لأن المطلوب رمی الجمرة لا مطلق الرمی.

لاستصحاب عدم تحقق الإصابة الواجبة.

طبق نظر مصنف، گزینه صحیح در مورد اجماع ادعا شده برای اثبات اعتبار بکر بودن سنگ ریزه ها در رمی جمره، کدام است؟

لا یمكن الإستناد إليه لإستناده إلى رواية ضعيفة.

لا شك فی تحققه و إن ضعفه بعض الأعظم.

علی تقدیر تحققه لا عبرة به لإحتمال مدرکيته.

ینحصر مدرک اعتبار بکرية الحصاة فی الإجماع المدعی.

طبق نظر مصنف بهترین دلیل برای اینکه محل قربانی در حج تمتع، منی می باشد، کدام است؟
صحيحه منصور بن حازم «...إن كان نحره بمنى فقد أجزأ عن صاحبه الذى ضلّ عنه...».
آية «و لا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى محلّه» حيث يدل على أنّ للهدى محلا خاصا معهودا.
السيرة القطعية المتوارثة على تعيّن ذلك.

عدم الخلاف فيه.

کدام گزینه جزو ادله اثبات وجوب ذبح یا نحر در حج تمتع، نیست؟

عدم الخلاف فيه.

ضرورة المذهب.

صحيح زرارة الوارد فى المتمتع «... و عليه الهدى. قلت: و ما الهدى؟ فقال: افضله بدنة...».
قوله تعالى «فمن تمتّع بالعمرة إلى الحج فما استيسر من الهدى».

صحيحه «إذا رميت الجمره فاشتر هديك...» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه وجوب ذبح یا نحر، مختص حج تمتع است.

اینکه ذبح یا نحر در حج واجب، بعد از رمی است.

اینکه ذبح یا نحر در حج واجب، باید با قصد قربت باشد.

اینکه برای ذبح یا نحر در حج واجب، یک قربانی کافی است.

اشکال مصنف بر اصل وجوب خوردن از گوشت قربانی به این بیان است که «لقرب احتمال أن يكون الأمر به واردا مورد توهم الحظر» در این صورت مراد از این امر، چیست؟

استحباب تقسیم بین فقرا

نفی تحریم

وجوب تقسیم بین فقرا

استحباب اكل

بنابر پذیرش وجوب خوردن از گوشت قربانی، این حکم مختص چه کسی است؟

يختص بالمعتر

يختص بالبائس الفقير

يختص بالقانع

یختص بالمتمکن

طبق نظر مشهور، گوشت قربانی باید چگونه تقسیم شود؟

ثلثا لنفسه، ثلثا للفقراء، ثلثا للمؤمنین هدیة.

ثلثا لنفسه، ثلثا لأهله، ثلثا للفقراء هدیة.

ثلثا لأهله، ثلثا للفقراء، ثلثا لمجاوری الكعبة.

ثلثا لنفسه، ثلثا للفقراء، ثلثا لمجاوری الكعبة.

در بیان نحوه اثبات لزوم تقسیم گوشت قربانی به سه قسمت با استناد به آیه «فكلوا منها و أطعموا البائس الفقیر» و آیه «فكلوا منها و أطعموا القانع و المعتر»، کدام گزینه صحیح نیست؟

تدل آیه الثانية على أن القانع و المعتر قسما من الفقیر، و بذلك يستفاد من الآيتين لزوم التقسیم إلى ثلاث حصص.

انّ الآيتين الکریمتین تشترکان فی الدلالة على وجوب الأكل.

تدل آیه الثانية على وجوب إطعام القانع و المعتر و حیث لم یؤخذ فی مفهومهما الفقر، فیستفاد من الآيتين لزوم التقسیم إلى ثلاث حصص.

تدل آیه الاولى على وجوب إطعام البائس الذی هو الفقیر غیر المتمکن من الخروج و الطواف بالأبواب.

آزمون ۲۱

۱. آیا مصنف تمسک به سیره متوارثه بین جمیع مسلمین بر انجام حلق را برای اثبات اعتبار ایقاع الحلق یوم العید نهارا، می پذیرد؟

خیر؛ زیرا این سیره وقتی حجت است که ردعی از شارع در مورد آن وارد نشده باشد، در حالیکه احتمال ردع از آن وجود دارد.

بله؛ زیرا در هر موردی که سیره قطعیه در میان همه مسلمین ثابت شود، بهترین دلیل برای اثبات آن مطلب می باشد.

خیر؛ زیرا سیره فقط بر اصل لزوم حلق در عید منعقد شده است، نه اینکه متعین است که فقط باید در روز انجام شود.

بله؛ زیرا به صراحت این مطلب را ثابت می کند، و نقل خلافی هم در مورد آن مشاهده نشده است.

۲. کدام گزینه جزو ادله اثبات وجوب حلق یا تقصیر، نیست؟

الأخبار الأدلة على وجوب الحلق أو التقصير بعد الرمي و الذبح، بناء على كبرى الجابرية.

قد يستفاد من آية «...لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله آمنين محلّقين رؤوسكم و مقصّرين...».

هو ممّا تقتضيه السيرة القطعية المتوارثة على الإتيان بها بنحو الوجوب.

قد يستفاد من آية «...و لا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى محلّه...».

۳. صحیحه «سألته عن الرجل يزور البيت قبل أن يحلق، قال: لا ينبغي إلا أن يكون ناسيا، ثم قال: إن رسول الله (ص) أتاه الناس يوم النحر، فقال بعضهم: يا رسول الله حلقت قبل أن أدبح و قال بعضهم: حلقت قبل أن أرمي... فقال: لا حرج» با چه بیانی ثابت می کند که حلق، باید بعد از ذبح و رمی انجام شود؟

دلالت دارد بر اینکه زیارت کعبه قبل از حلق جایز نیست مگر برای ناسی، لذا برای عالم که حلق را بعد از ذبح و رمی انجام داده، جایز است.

دلالت دارد بر اینکه حلق بعد از ذبح می باشد، و از آنجا که ذبح نیز بعد از رمی است ثابت می شود که حلق بعد از ذبح و رمی است.

با توجه به «حلقت قبل أن أدبح» تصریح دارد که حلق باید بعد از ذبح باشد، و ضرورت مذهب ثابت می کند که ذبح نیز بعد از رمی است.

فراز «حلقت قبل أن أرمي» تصریح دارد که حلق باید بعد از رمی باشد، و ضرورت مذهب ثابت می کند که بعد از رمی ذبح واجب است.

۴. با توجه به صحیحه «ينبغي للصّورة أن يحلق. و إن كان قد حجّ فإن شاء قصر و إن شاء حلق...» که وظیفه در حج اول را حلق و در غیر آن تخییر بین حلق یا تقصیر می داند، و صحیحه «إذا احرمت فعقّصت شعر رأسك أو لبّدته، فقد وجب عليك الحلق و ليس لك التقصير، و إن أنت لم تفعل فمخیر لك التقصير. و الحلق افضل...» که اطلاق آن غیر ملبّد و غیر معقّص را حتی در حج اول مخیر بین حلق و تقصیر می داند، نتیجه چیست؟

به قرینه روایت اول، مراد روایت دوم این است که در هر صورت حلق واجب بوده و افضل از تقصیر می باشد.

روایت دوم در واقع ناظر به روایت اول بوده و آن را تفسیر می کند، در نتیجه حلق واجب است مطلقا.

روایت دوم اختصاص به ملبّد و معقّص دارد، لذا نمی توان حکم آن را به موارد دیگر نیز سرایت داد.

به قرینه روایت اول، مراد روایت دوم این است که در غیر از حج اول بین حلق یا تقصیر مخیر می باشد.

۵. دلیل اینکه مرد در غیر از حج اول، بین حلق یا تقصیر مخیر می باشد، چیست؟

روایات دال بر جواز حلق قبل از ایام حج برای کسی که حج اول را انجام داده است.

روایات دال بر تخییر مرد در غیر از حج اول، با پذیرش انجبار ضعف سند با فتوای مشهور.

برائت از خصوصیت، به خاطر عدم دلیل بر خصوصیت حلق یا تقصیر.

اختصاص حلق به حج اول، و سکوت نصوص از تعین حلق یا تقصیر در حج های بعد.

آیا مصنف تمسک به تأسی به رسول خدا (ص) برای اثبات اعتبار ایقاع الحلق یوم العید نهارا، را می پذیرد؟

بله؛ زیرا فعل پیامبر (ص) حجت بوده و دلالت بر وجوب دارد، چرا که حضرت در مقام بیان نحوه انجام تکلیف بوده اند.

بله؛ زیرا با توجه به «انّ لکم فی رسول الله اسوة حسنة» تأسی به آن حضرت واجب است.

خیر؛ زیرا فقط انجام کار به صورتی که حضرت انجام می داده اند را ثابت می کند، اما وجوب آن را ثابت نمی کند.

خیر؛ زیرا در همه موارد، محبوبیت انجام کار را با تأسی به آن حضرت ثابت می کند، اما وجوب آن را ثابت نمی کند.

نظر مصنف در مورد اعتبار ایقاع الحلق یوم العید نهارا، چیست؟

بهترین دلیل برای اعتبار آن، سیره متوارثه قطعیه در میان تمام مسلمین بر انجام آن در روز است.

دلیلی بر اعتبار آن نیست، لذا مقتضای برائت نفی آن است، هر چند احتیاط در آن خوب است.

دلیلی بر اعتبار آن نیست، لذا مقتضای برائت نفی آن است، و وجهی برای احتیاط در آن وجود ندارد.

بهترین دلیل برای اعتبار آن، تأسی به پیامبر اکرم (ص) می باشد که وجوب آن ثابت شده است.

صحیحه «سألت ابا عبدالله (ع) عن رجل نسی أن یقصر من شعره أو یحلقه حتی یرتحل من منی، قال: یرجع الی منی حتی یلقى شعره بها حلقا کان أو تقصیرا» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه مرد در غیر از حج اول، بین حلق و تقصیر مختار است.

اینکه حلق باید بعد از ذبح و رمی باشد.

اینکه حلق باید در منی انجام شود.

اینکه وجوب حلق مختص حج تمتع است.

صحيحه «...فإذا أتيت البيت يوم النحر... طُف بالبيت سبعة أشواط كما وصفتُ لك يوم قَدِمْتَ مكة، ثمَّ صلَّ عند مقام إبراهيم ركعتين... ثم اخرج إلى الصفا فاصعد عليه و اصنع كما صنعت يوم دخلت مكة...» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

یکی بودن کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، با این اعمال در عمره تمتع.

لزوم انجام طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، بعد از حلق یا تقصیر.

لزوم رعایت موالات در میان طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن.

اصل وجوب طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن.

گزینه صحیح در مورد کیفیت طواف حج و نماز آن، سعی و طواف نساء و نماز آن، کدام است؟

کیفیت خصوص طواف حج و نماز آن و سعی، همان گونه است که در عمره تمتع انجام می شود.

کیفیت خصوص طواف حج و طواف نساء و نماز آنها همان گونه است که در عمره تمتع انجام می شود.

کیفیت همه آنها با نحوه انجام آنها در عمره تمتع تفاوت دارد.

کیفیت همه آنها همان گونه است که در عمره تمتع انجام می شود.

دلیل بر اثبات وجوب مناسک سه گانه: طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، چیست؟

نصوص قرآنی وارد شده در بیان مناسک حج.

ضرورت مذهب

سیره قطعیه متوارثه در میان همه مسلمین بر انجام آن به صورت واجب.

اخبار دال بر وجوب آن، البته با فرض پذیرش جبران ضعف سند با عمل مشهور.

مناسک سه گانه: طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، در چه زمانی انجام می شود؟

بعد از حلق یا تقصیر

قبل از حلق یا تقصیر

بعد از خروج از احرام

قبل از بازگشت به مکه

مناسک سه گانه: طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، در چه مکانی انجام می شود؟

مدینه

مشعر

مکه

منی

آزمون ۲۳

آیا جواز اینکه نفر ثانی می تواند قبل از زوال باشد، از صحیحه «من تعجل فی یومین فلا ینفر حتی تزول الشمس، فإن أدركه المساء بات و لم ینفر» قابل استفاده است؟

خیر؛ زیرا فراز «من تعجل فی یومین فلا ینفر حتی تزول الشمس» اطلاق دارد و علاوه بر نفر اول شامل نفر ثانی هم می شود.

بله؛ زیرا با توجه به فراز «فإن أدركه المساء بات و لم ینفر» روشن می شود که ماندن تا عصر در نفر ثانی، از روی اختیار بوده است.

خیر؛ با اینکه قید «حتی تزول الشمس» مربوط به نفر اول است، اما در مورد اشتراط یا عدم اشتراط آن برای نفر ثانی، ساکت است.

بله؛ با توجه به اینکه قید «حتی تزول الشمس» برای نفر اول ذکر شده و برای نفر ثانی ذکر نشده است.

آیا مصنف نظر قائلین به لزوم مبیت در نیمه اول شب را، می پذیرد؟

بله؛ زیرا در برخی نصوص نسبت به آن تصریح شده است.

بله؛ زیرا دلیل آنها بر اختصاص مبیت به نیمه اول، مورد پذیرش است.

خیر؛ زیرا نصوص وارد شده در این زمینه دلالت بر تخییر بین نیمه اول و نیمه دوم دارند.

خیر؛ زیرا لازمه آن مخالفت با قول مشهور فقها در این زمینه است.

گزینه صحیح در مورد مقدار واجب مبیت در منی، کدام است؟

تمام اللیلة

خصوص النصف الثانی

أحد نصفی اللیلة

خصوص النصف الاوّل

کدام گزینه جزو ادله اثبات وجوب مبيت به منى در شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجة، نیست؟

صحيحه «لا تبت لىالى التشرىق إلا بمنى...».

انعقاد سیره قطعیه متوارثه در میان جمع مسلمین.

آیه «و اذکروا الله فى ايام معدودات...» زیرا مراد از ايام معدودات، ايام تشرىق است.

اقتضای ضرورت مذهب.

صحيحه «...فمن تعجل فى يومین فلا اثم علیه لمن اتقى، فقال: اتقى الصید» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

لزوم النفر بعد الزوال من الیوم الثانى عشر لمن اراد النفر الاوّل.

عدم وجوب المبيت بلحاظ تمام اللیلة، بل فى أحد نصفیها.

وجوب المبيت بمنى لیلة الثالث عشر لمن لم یتق الصید.

وجوب المبيت بمنى لیلة الثالث عشر لمن دخل علیه اللیل فى الیوم الثانى عشر و هو بمنى.

طبق نظر مشهور، مقدار واجب مبيت در منى، کدام است؟

لزوم اختیار النصف الاوّل

التخیر بین اختیار النصف الاوّل او الثانى

لزوم اختیار النصف الثانى

رجحان اختیار النصف الاوّل

دلیل قائلین به لزوم مبيت در منى در نیمه اول شب، چیست؟

انّ عنوان البیتوتة المأمور به فى النصوص لا یصدق عرفا إلا على من بات من بداية اللیل.

انّ اطلاق النصوص یشمل تمام اللیل، و بقرینه النصوص الدالة على التخیر یحکم بلزومه فى النصف الاوّل، لاتصال النصف الثانى بالفجر.

انّ عنوان البیتوتة المأمور به فى النصوص لا یصدق لغة إلا على من بات من بداية اللیل.

انّ اطلاق النصوص یشمل تمام اللیل، و بقرینه النصوص الدالة على التخیر یحکم بلزومه فى النصف الاوّل، لعدم صدق اللیل بالنصف الثانى.

دلیل یکی بودن کیفیت رمی جمار در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة با رمی جمرة عقبه در روز دهم، چیست؟

روایات خاص وارد شده در این زمینه، با فرض جبران ضعف سند با فتوای مشهور.

عدم فرق کیفیت رمی جمره در روز دهم با دو روز دیگر، نزد عرف.

اطلاق نصوص وارد شده در بیان کیفیت رمی جمرة عقبه در روز دهم.

لزوم عسر و حرج، در صورت قول به تفاوت کیفیت رمی جمره عقبه در روز دهم، با دو روز دیگر.

آیا مصنف دلالت صحیحه «ارم فی کل یوم عند زوال الشمس و قل كما قلت حین رمیت جمرة العقبة» بر وجوب رمی جمار در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة را می پذیرد؟

خیر؛ زیرا فراز «ارم فی کل یوم» موجب اجمال است و نمی توان وجوب در روز یازدهم و دوازدهم را ثابت کرد.

بله؛ زیرا به روشنی حکم یاد شده را بیان نموده است.

بله؛ زیرا هم از نظر سند و هم از نظر دلالت بر مطلب مورد نظر، تام است.

خیر؛ زیرا شمول سیاق آن بر بعضی مستحبات، مانع ظهور آن در وجوب است.

صحیحه «الرجل یرمی الجمار منکوسة. قال: یعیدها علی الوسطی و جمرة العقبة» مستند کدام یک از موارد ذیل است؟

اینکه رعایت ترتیب در میان رمی جمار در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة لازم نیست.

اینکه رمی جمار در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة، فقط شامل جمره وسطی و عقبه می باشد.

اینکه رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة به این ترتیب باشد: اولی، وسطی، عقبه.

اینکه کیفیت رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة، مانند رمی جمره عقبه در روز دهم است.

دلیل وجوب رمی جمار در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة، چیست؟

سیره قطعیه متوارثه در میان جمیع مسلمین بر انجام آن به صورت واجب.

آیاتی از قرآن که برخی مناسک حج را بیان کرده اند.

نصوص فراوانی که بالمطابقه این حکم را بیان کرده اند.

ضرورت مذهب.

آیا مصنف دلالت صحیحہ سألَت ابا عبد الله (ع) عن رجل أفاض من جمع حتى إنتهى إلى منى، فعرض له عارض، لم يرم حتى غابت الشمس، قال: يرمى إذا أصبح مرتين: مرة لما فاتته و الاخرى ليومه الذى يصبح فيه، و ليفرق بينهما يكون أحدهما بكرة و هى للأمس و الاخرى عند زوال الشمس» بر وجوب رمى جمار در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة را می پذیرد؟

بله؛ زیرا فراز «مرة لما فاتته و الاخرى ليومه الذى يصبح فيه» اشاره به روز یازدهم و دوازدهم دارد.

خیر؛ زیرا فقط وجوب در روز یازدهم را بیان کرده است، و وجوب روز دوازدهم از آن قابل استفاده نیست.

بله؛ زیرا به روشنی حکم رمی جمار در روز یازدهم و دوازدهم و زمان آن را بیان کرده است.

خیر؛ زیرا فراز «مرة لما فاتته و الاخرى ليومه الذى يصبح فيه» اشاره به روز یازدهم و دوازدهم ندارد.

آزمون ۲۵

شیخ انصاری اقوالی را در تعریف بیع نقل کرده و بهترین آن‌ها قولی است که خود او اختیار کرده، یعنی بیع «تملیک عین بعوض» است.

درست

نادرست

ملکیت حاصل شده توسط معاطات چه کمی دارد؟

لازم است

جایز است

اثری بر آن بار نمی‌شود

به صورت موقت است

به دلیل ثبوت حقیقت شرعیه یا متشرعیه در بیع، در تعریف حقیقت بیع اختلاف است.

نادرست

درست

کدام گزینه در مورد ایجاب و قبول، صحیح است؟

در ایجاب و قبول شرط است که قبول بعد از ایجاب باشد

در ایجاب و قبول موالات شرط نیست اما قبول باید بعد از ایجاب باشد

در ایجاب و قبول موالات شرط است

در ایجاب و قبول تطابق در مضمون معتبر است

ایجاب و قبول در بیع چگونه محقق می شود؟

فقط با صیغه ماضی

با هر چیزی که ابراز کننده آن باشد

فقط با لفظ صریح

فقط با لفظ عربی

قول مشهور در مورد بیع کدام است؟

بیع باید منجز باشد

بیع معلق حرام است اما باطل نیست

بیع معلق حرام است

بیع می تواند به صورت معلق باشد

معاطات در کدام یک از این معاملات جاری نیست؟

بیع طلا و نقره، بیع اوراق نقدی

نکاح، طلاق، نذر، قسم

بیع، اجاره، سلف، سلم

نسیه، کالا به کالا، فروش حیوان

آزمون ۲۶

مرحوم نائینی دلیل اعتبار منجز بودن عقد را، انصراف ادلة امضاء به عقود متعارف میان مردم بیان کرده است.

نادرست

درست

دلیل اعتبار تنجیز در عقد بیع کدام است؟

توقف عنوان بیع در لغت بر تنجیز

اطلاق ادله امضاء بیع

شهرت آن میان علماء و ادعای اجماع بر آن

و جوب تأسی به نبی اکرم صلی الله علیه و آله

مراد از تأسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله چیست؟

انجام فعل با همان اوصافی که حضرت انجام می‌داده‌اند

انجام فعل با همان روش و قصدی که حضرت انجام می‌داده‌اند

انجام فعل با همان کیفیت یا قصد رسول اکرم صلی الله علیه و آله

انجام فعل با همان قصدی که حضرت انجام می‌داده‌اند

چرا باید بین مضمون ایجاب و قبول مطابقت باشد؟

اگر تطابق نباشد، معنای لغوی بیع صادق نیست

اگر تطابق نباشد، بیع منجز نیست

زیرا تطابق به عنوان شرط ضمنی است

صدق عنوان تجارت عن تراض، متوقف بر تطابق است

دلیل کافی بودن لفظ غیر صریح در ایجاب و قبول چیست؟

آن چه از تعریف بیع بر می‌آید کفایت لفظ غیر صریح است

سیره متشرعه بر این است که لفظ غیر صریح کافی باشد

چون عنوان بیع بر آن صادق است، اطلاق ادله امضاء بیع شامل آن می‌شود

قوام ایجاب و قبول نزد عرف به این است که با لفظ غیر صریح هم واقع شود

به تعریف شیخ اعظم انصاری (ره) در بیع چه اشکالی شده است؟

این تعریف با معنای عرفی بیع مخالفت دارد

شامل شراء و اجاره می‌شود

شامل شراء و اجاره نمی‌شود

دلیل امضاء بیع آن را در بر نمی‌گیرد

توجیه شیخ انصاری در اعتبار موالات: ایجاب و قبول به منزله کلام واحدی است که اجزاء آن به هم مرتبطاند، و فاصله زیاد مانع صدق عنوان عقد بر آن نیست.

درست

نادرست

دلیل معتبر بودن ایجاب و قبول در بیع چیست؟

معنای لغوی بیع ظهور در ایجاب و قبول دارد

قوام بیع نزد عرف به قبول است نه ایجاب

قوام بیع نزد عرف به ایجاب و قبول است

قوام بیع نزد عرف به ایجاب است نه قبول

اشکال مصنف به توجیه شیخ انصاری: عنوان معاهده مادامی که موجب از ایجاب خود اعراض نکرده باشد صادق است، هر چند فاصله زیادی واقع شود.

درست

نادرست

آزمون ۲۷

کدام گزینه از موارد استدلال بر ثبوت اصل لزوم در معاطات نیست؟

تمسک به استصحاب عدم بقاء ملکیت و زوال آن با فسخ یکی از طرفین

تمسک به اطلاق آیه شریفه «اوفوا بالعقود»

تمسک به آیه شریفه « لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل»

تمسک به حدیث نبوی « لا یحل دم امریء مسلم و لا ماله الا بطیبة نفسه»

قول متأخرین در مورد معاطات کدام است؟

افادتها الملك الجائز

افادتها الملك

افادتها الملك كالعقد اللفظی

افادتها لباحة التصرف لا غیر

دلیل استثناء شدن طلاق از معاطات چیست؟

زیرا طلاق ایقاع است

زیرا اصل اولیه در عقود این است که با لفظ باشد

زیرا معاطات فقط در بیع است

زیرا لفظ در تحقق طلاق معتبر است

چرا ملکیت مستفاد از معاطات لازم است؟

به دلیل لفظی نبودن معاطات

به دلیل معلق بودن معاطات

به دلیل اصل صحت

به دلیل اصل لزوم

آیا خیارات در معاطات ثابت است؟

ثابت است؛

فقط در بیع معاطاتی ثابت است

فقط در ایقاع معاطاتی ثابت است

ثابت نیست

با اثبات ملکیت آور بودن بیع به استناد آیه شریفه «احل الله البیع»، به چه دلیل با تمسک به اطلاق آن، ملکیت آور بودن معاطات نیز ثابت می‌شود؟

زیرا معاطات از مصادیق بیع است

زیرا طرفین در معاطات قصد ملکیت کرده‌اند

زیرا معاطات از مصادیق عقد لفظی است

زیرا معاطات از مصادیق عقد غیر لفظی است

هر شرطی که در عقد لفظی معتبر است در معاطات هم معتبر است، چون معاطات مصداق عرفی برای بیع است و هر شرایطی که برای بیع ثابت است با تمسک به اطلاق برای معاطات نیز ثابت می‌شود.

نادرست

درست

معاطات در همه معاملات غیر از مواردی که استثناء شده، جاری است. زیرا با توجه به این که معاطات مصداق حقیقی هر فرد از معاملات شود، اطلاق دلیل امضاء آن معامله غیر از احکام آن، شامل معاطات نیز می‌شود.

درست

نادرست

آزمون ۲۸

استدلال به حدیث رفع، برای ثابت کردن اعتبار بلوغ در متعاقدين در چه صورتی تمام است؟

مراد از رفع، رفع احکام تکلیفی باشد

مراد از رفع قلم، رفع احکام وضعی نباشد

مراد از رفع قلم، فقط رفع قلم مؤاخذه نباشد

مراد از رفع قلم، رفع احکام تکلیفی نباشد

دلیل اعتبار قصد در متعاقدين چیست؟

اطلاق ادله بیع

صحیحة ابی حسین خادم

قوام عنوان عقد و بیع و تجارت عن تراض، بر آن

حدیث رفع قلم

آیه شریفه) «و ابتلوا الیتامی...» با این که اختصاص به یتیم و تصرف او در اموال خودش دارد، اما با ضمیمه شدن عدم قول به فصل، و اولویت تصرف در اموال دیگران، برای اثبات اعتبار بلوغ قابل استناد است.

نادرست

درست

کدام یک از ادلة اعتبار بلوغ در متعاقدين نیست؟

شهرت

آیه ۶ سورة نساء

قوام عنوان عقد، بر آن

اجماع

در چه صورتی بلوغ در متعاقدين شرط نيست؟

وقتي نقش آن ها نقش ناظر بر بيع باشد

وقتي نقش آن ها نقش وسيله و آلت باشد

وقتي نقش آن ها نقش كسي باشد كه نظر او نافذ است

وقتي نقش آن ها نقش بايع و مشتري باشد

اگر نقش صبي فقط آلت بوده و وكيل در اجراي عقد باشد، نمي توان گفت عقد، فعل او است تا اين كه نفوذ نداشته باشد، بلكه عقد منسوب به طرفين معامله كه بالغ اند مي باشد، در نتيجه ادله اشتراط بلوغ انصراف از آن ندارد.

درست

نادرست

كدام گزينه از شرائط متعاقدين نيست؟

اختيار

اسلام

عقل

قصد

آزمون ۲۹

گزينه دليل معتبر بودن قصد در متعاقدين چيست؟

قوام عنوان عقد، بيع و تجارت از روي رضاييت بر آن است

قوام عنوان عقد و بيع بر آن است

قوام عنوان عقد، بيع، تجارت از روي رضاييت و رفع تسعه، بر آن است

قوام عنوان عقد بر آن است

با توجه به آیه شریفه «الا ان تكون تجارة عن تراض»، تجارت با نبودن اختیار از روی تراضی نیست، و اکل مال دیگران فقط با تجارت از روی رضایت جایز است.

درست

نادرست

طبق صحیحۀ زید شحام «لا یحل دم امریء مسلم و ماله الا...» دلیل شرطیت اختیار برای متعاقدين چیست؟

معامله مکره تجارت از روی رضایت نیست

مکره فاقد طیب نفس است

معامله مکره فضولی است

مکره فاقد قصد است

طبق قول مصنف، بهترین دلیل برای اعتبار عقل در متعاقدين چیست؟

بیان شیخ انصاری

بیان صاحب جواهر

تمسک به حدیث رفع تسعه

تمسک به حدیث رفع

چرا تمسک به حدیث رفع تسعه برای اثبات اعتبار اختیار در متعاقدين و صحیح نبودن بیع مکره، صحیح است؟

چون اختصاص به رفع مؤاخذه یا احکام تکلیفی ندارد

چون مقتضای اطلاق حدیث است و اختصاص به رفع مؤاخذه یا احکام تکلیفی ندارد

چون مقتضای عموم حدیث است و اختصاص به رفع مؤاخذه یا احکام تکلیفی ندارد

چون اختصاص به رفع مؤاخذه و احکام تکلیفی دارد

آزمون ۳۰

قول مشهور در عقد فضولی کدام است؟

با اجازه صحیح نیست

مطلقاً صحیح است

با اجازه صحیح است

بدون اجازه صحیح است

با توجه به تعبیر «فلما رأى ذلك سيد الوليدة الاول اجاز بيع ابنه» دلالت صحیحة محمد بن قیس بر صحت عقد فضولی با اجازه مالک، واضح است.

نادرست

درست

ضعف سند روایت عروه بارقی چگونه جبران می‌شود؟

شهرت میان شیعه و سنی

فتوای مشهور

دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق عروه

عمل مشهور

با چه بیانی حدیث عروه بارقی شامل عقد فضولی است؟

باز گرداندن یک دینار به عروه، قطعاً فضولی است

خریدن یکی از دو گوسفند قطعاً فضولی است

خریدن دو گوسفند به یک دینار قطعاً فضولی است

فروختن یکی از دو گوسفند قطعاً فضولی است

مراد شیخ انصاری از «لعموم ادلة البيع و العقود» چیست؟

تصحیح عقد فضولی طبق قاعده نیست

اعتبار اختیار در متعاقدين طبق قاعده است

اعتبار صحیح نبودن بیع مکره طبق قاعده نیست

تصحیح عقد فضولی طبق قاعده است

اگر دلالت دو روایت مذکور در بیع فضولی تام نباشد، از چه راه می‌توان صحت آن با اجازه را به دست آورد؟

با استناد به شهرت آن میان شیعه و سنی

با توجه به بیان شیخ انصاری که دلالت آن ها را تام می داند
با استناد به کبرای انجبار ضعف سند با عمل مشهور
تصحیح آن طبق قاعده با تمسک به عموم ادلة عقد و بیع

آزمون ۳۱

اشکال استدلال شهید و محقق ثانی بر کاشف بودن اجازه، چیست؟

قیاس امور اعتباری با امور تکوینی قیاس مع الفارق است

اگر عقد تمام سبب در حصول ملکیت باشد، دیگر نیازی به اجازه در عقد فضولی نیست

قیاس امور اعتباری با امور تکوینی قول به کشف را ثابت نمی کند

تمام سبب بودن عقد در حصول ملکیت باشد، با قول به ناقلیت سازگار است

دلیل قول به ناقل بودن اجازه این است که سبب ناقل، مجرد عقد نیست بلکه عقد بعلاوه رضایت است و رضایت با اجازه محقق می شود.

نادرست

درست

طبق قول به کاشفیت اجازه در عقد فضولی، کدام گزینه صحیح می باشد؟

تحقق نقل از زمان عقد بعد از اجازه

تحقق نقل از زمان عقد بدون نیاز به اجازه

عدم تحقق نقل از زمان عقد بعد از اجازه

تحقق نقل از زمان اجازه

اشکال دلیل فخر الدین در اثبات کاشف بودن اجازه چیست؟

استدلال ایشان قیاس است و قیاس حجت نیست

قیاس مع الفارق است، چون قیاس امور شرعی بر امور عقلی است

قیاس مع الفارق است، چون قیاس امور اعتباری بر امور تکوینی است

قیاس مع الفارق نیست، چون قیاس امور تکوینی بر امور اعتباری است

بنا بر قول به کاشف بودن اجازه، نماء ایجاد شده به چه کسی تعلق دارد؟

نماء ثمن به بائع و نماء مبیع به مشتری

نماء ثمن به مشتری و نماء مبیع به بائع

نماء مبیع و نماء ثمن، هر دو به مشتری

نماء ثمن و نماء مبیع، هر دو به بائع

آزمون ۳۲

از حدیث «نهی النبی عن بیع الغرر» چه حکمی استفاده می‌شود؟

حکم عقلی

حکم تکلیفی

حکم ارشادی

حکم مولوی

کدام گزینه از شرایط هر دو عوض نیست؟

اعتبار تقدیر

قدرت بر تسلیم

مالیت

عین بودن

در دلالت حدیث نبوی بر شرطیت قدرت تسلیم چگونه اشکال می‌شود؟

تفسیر غرر به مخاطره از عدم قدرت بر تسلیم

ضعف سند

دلالت نهی بر حکم تکلیفی نه ارشادی

دفع غرر با شرط کردن خیار

ثم انه اذا لم يحتمل اختصاص الموثقة بموردها امكنت الفتوى باعتبار شرطية القدرة على التسليم و الا؟

لزوم فتوا به عدم اعتبار شرطیت

لزوم رعایت شرطیت آن از باب احتیاط

لزوم فتوا به شرطیت آن طبق مشهور

لزوم مخالفت با مشهور و ادعای اجماع بر شرطیت

اگر شرایط ذکر شده در عوضین مراعات نشود، بیع باطل است و تصرف طرفین حتی با رضایت یک دیگر حرام است.

درست

نادرست

کدام گزینه نمی تواند مبیع باشد؟

ملک

منفعت

جنس

عین

با توجه به این که بیع، تملیک عین در مقابل عوض است، لذا مورد معامله هم باید ملکیت داشته باشد، زیرا اگر ملکیت نداشته باشد نمی توان آن را به ملکیت دیگری در آورد.

درست

نادرست

استدلال شیخ نائینی در شرطیت قدرت بر تسلیم کدام است؟

عدم زوال المالیه عما یقدر علی تسلیمه

عدم زوال المالیه عما لا یقدر علی تسلیمه

زوال المالیه عما لا یقدر علی تسلیمه

زوال المالیه عما یقدر علی تسلیمه

بیع مباحات عامه چه موقع صحیح است؟

قبل از این که حیات شود

وقتی به چیز دیگری ضمیمه شود

وقتی حیات شود

وقتی قدرت بر تسلیم آن باشد

بیع در کدام یک از این موارد صحیح نیست؟

بیع مباحات عامه بعد از حیات

بیع چیزی که نزد عرف دارای مالیت است

بیع چیزی که نزد شرع دارای مالیت است

بیع عین موقوفه توسط موقوف علیهم

آزمون ۳۳

صحیحہ حلبی دلالت بر ارتکاز جواز بیع معدود بدون شمارش دارد، و امام علیه السلام با تقریر خود آن را امضاء فرموده، در نتیجه برای اعتبار معلوم بودن عوضین به آن تمسک می‌شود.

درست

نادرست

کدام گزینه از ادله اثبات شرطیت قدرت بر تسلیم نیست؟

روایات ناهی از بیع عبد ابق

موثقه سماعه

صحیحہ حلبی

حدیث غرر

با توجه به این که عرف از روایات وارد شده در اشتراط ضبط مبیع الغای خصوصیت می‌کند، اعتبار ضبط در ثمن نیز ثابت می‌شود.

درست

نادرست

عبارت «فان ذلک لازم الشرطیة، و مقتضی قاعدة المشروط عدم عند عدم شرطه» تعلیل برای چه مطلبی است؟

بطلان بیع با تخلف شروط

اعتبار عین بودن مبیع

اعتبار مالیت در عوضین

صحت تصرفات با رضایت در صورت بطلان

کدام گزینه می تواند دلیل بر اعتبار مالیت در عوضین باشد؟

البيع تملیک فی مقابل المال

البيع مبادلة مال بمال

البيع معاوضة عين بعوض

البيع هو تملیک عين بعوض

با توجه به این که جواز تصرف در عوضین منوط به رضایت طرفین است، در صورت بطلان بیع، این تصرفات جایز نیست.

نادرست

درست

دلیل عدم اعتبار عین بودن ثمن چیست؟

تبادر عین بودن مبیع از لفظ بیع

عدم احتمال اعتبار آن در مفهوم عرفی بیع

اطلاق ادله بیع

تبادر عین بودن ثمن از لفظ بیع

اگر در اعتبار عین بودن مبیع شک شود، چرا امکان تمسک به عمومات بیع وجود ندارد؟

تمسک به عام در مورد اجمال مفهوم است

مقتضی قاصر است

مخالف با اجماع اصحاب است

از لفظ بیع، عین بودن مبیع متبادر است

آزمون ۳۴

موثق غیاث بن ابراهیم که بر عدم خیار مجلس دلالت می کند، باید توجیه شود که مراد از تصفیق در آن اسقاط خیار نیست، و الا به دلیل مخالفت آن با اجماع اصحاب باید کنار گذاشته شود.

درست

گزینه صحیح در مورد پایان خیار مجلس کدام است؟

ملاک جدا شدن متبایعین از یکدیگر است

ملاک جدا شدن متبایعین از مجلس بیع است

ملاک پایان یافتن مجلس بیع است

ملاک به هم خوردن مجلس بیع است

چرا خیار مجلس، شامل عقد در حال راه رفتن نیز می‌شود؟

چون فقط در بیع جاری نمی‌شود

چون در نص، تعبیر به مجلس نشده

چون اختصاص به مجلس بیع دارد

چون در نص تعبیر به مجلس شده

دلیل عدم شمول خیار مجلس برای مطلق متعاقدين چیست؟

قصور در مقتضی

اجماع و ضرورت ثابت شده بین اصحاب

موثق غیاث بن ابراهیم

صحیح محمد بن مسلم

گزینه صحیح درباره خیار مجلس چیست؟

در اصل ثبوت خیار مجلس اختلاف است

مختص متبایعان در مجلس عقد است

مختص متبایعان در مجلس بیع نیست

در اصل ثبوت خیار مجلس اختلافی نیست

خيار حيوان مربوط به خريد و فروش چه چيزی است؟

حيوان

حيوان، عبد و كنيز، غير مسلمان

حيوان، عبد و كنيز، كفار

حيوان و عبد و كنيز

در صحيحه علي بن رئاب، به ثبوت خيار حيوان برای مشتری تصريح شده است.

نادرست

درست

اگر ثمن در معامله حيوان باشد، چگونه می توان خيار حيوان را برای بايع ثابت کرد؟

با استناد به صحيحه علي بن رئاب

با استناد به موثقة غياث بن ابراهيم

با تمسك به عموم «البيعان بالخيار»

با تمسك به اطلاق «صاحب الحيوان» در صحيحه ابن مسلم

گزينه صحيح درباره خيار حيوان چیست؟

بنابر مشهور سه روز است

بنابر غير مشهور يك روز است

بنابر مشهور برای مشتری و بايع ثابت است

بنابر مشهور برای مشتری ثابت است

از روايت «و صاحب الحيوان بالخيار ثلاثة ايام» چه مطلبی استفاده می شود؟

خيار حيوان برای مشتری است

خيار حيوان برای بايع و مشتری است

خيار حيوان برای بايع است

خيار حيوان سه روز است

با توجه صحيحه علي بن رئاب، اثبات خيار حيوان به صورت مطلق برای بايع از صحيحه محمد بن مسلم عن ابي عبدالله ع (المتبايعان بالخيار...) ممكن است.

درست

نادرست

آزمون ۳۶

قاعده «المسلمون عند شروطهم» به چه بیانی دلیل بر صحت بیع الخيار می شود؟

با تمسک به منطوق آن

با تمسک به اطلاق آن

با تمسک به عموم آن

با تمسک به مفهوم آن

گزینه صحیح در مورد خيار شرط کدام است؟

فقط برای متبایعین یا یکی از آن دو ثابت است

برای متبایعین یا یکی از آن دو یا اجنبی ثابت است

فقط بر متبایعین یا اجنبی ثابت است

فقط برای متبایعین ثابت است

موثقة عمار که برای ثبوت بیع الخيار به آن استناد شده، از جهت سند به دلیل مجهول بودن عمار، محل تأمل است.

نادرست

درست

کدام گزینه دلیل ثبوت خيار شرط است؟

اطلاق «احلّ الله البيع»

عموم «اوفوا بالعقود»

قاعده «المسلمون عند شروطهم»

عموم ادله امضاء عقد

از صحیحه حلبی که در مورد خيار حیوان است، استفاده می شود که خيار در غیر حیوان با شرط، ثابت می شود.

درست

نادرست

گزینه صحیح در مورد بیع الخيار کدام است؟

فقط بر مشتری جایز است

فقط بر بایع جایز است

بر بایع و مشتری جایز است

علاوه بر بایع و مشتری، بر اجنبی هم جایز است

آزمون ۳۷

کدام گزینه از دلایل اثبات وجوب تکلیفی وفای به شرط نیست؟

صحیحة «المسلمون عند شروطهم»

آیه شریفه «أوفوا بالعقود»

تمسک به بناء عقلا

موثقة اسحاق بن عمار

گزینه صحیح درباره مخالف شرع نبودن شرط در ضمن عقد چیست؟

صحیحه ابن سنان و صحیحه ابن مسلم

صحیحه ابن سنان و احتمال ندارد شارع الزام به وفای به شرط مخالف عقد نماید

صحیحه ابن مسلم و احتمال ندارد شارع الزام به وفای به شرط مخالف عقد نماید

صحیحه ابن سنان و صحیحه ابن مسلم و احتمال ندارد شارع الزام به وفای به شرط مخالف عقد نماید

شرط مخالف با مقتضای عقد با قرآن نیز مخالف است، و شرط مخالف با قرآن باطل است.

درست

نادرست

با توجه به نظریه شهید اول درباره حکم شرط، کدام گزینه صحیح است؟

فائده شرط منحصر در جواز فسخ معامله هنگام تخلف از شرط است

فائده شرط منحصر در وجوب تکلیفی عمل به آن است

با توجه به موثقة اسحاق بن عمار، فائده شرط محلّ تامل است

فائده شرط جواز فسخ معامله هنگام تخلف و وجوب تکلیفی عمل به آن است

طبق نظر مصنف گزینه صحیح درباره دلیل ثبوت خیار هنگام تخلف شرط چیست؟

عرف و نصوص

بناء عقلاء و نصوص

عرف، بناء عقلاء و نصوص

عرف و بناء عقلاء

با توجه به موثقة اسحاق بن عمار، نظریه شهید اول درباره حکم شرط محلّ تامل است.

نادرست

درست

وجوب تکلیفی وفای به شرط که از موثقة اسحاق بن عمار استفاده می‌شود، با این که مورد آن عقد نکاح است، لکن با ضمیمه قول به فصل، و یا نفی خصوصیت از آن، در غیر نکاح مانند بیع نیز ثابت می‌شود.

نادرست

درست

آزمون ۳۸

خیار غبن از چه زمانی ثابت است؟

از زمان جهل

از زمان شرط

از زمان عقد

از زمان غبن

کدام گزینه جزو شرایط خیار عیب است؟

جهل به عیب

علم به عیب

تبری از عیب

ظهور عیب

از نظریه شرط ضمنی در اثبات کدام یک از گزینه‌های زیر نمی‌توان استفاده کرد؟

تعمیم خیار غبن برای بایع و مشتری

ثبوت خیار از زمان ظهور غبن

اثبات جواز ردّ عوض معیوب

تعمیم خیار عیب برای بایع و مشتری

با توجه به این که ثبوت خیار غبن از زمان عقد است، بر خلاف قولی که آن را از زمان ظهور غبن ثابت می‌داند، فسخ معامله توسط مغبون قبل از ظهور غبن نافذ نیست.

نادرست

درست

خیار غبن و عیب در حق چه کسی ثابت است؟

بایع، مشتری، اجنبی

بایع و مشتری

فقط بایع

فقط مشتری

بهترین راه برای استدلال فنی و علمی بر ثبوت خیار غبن کدام است؟

تمسک به «اوفوا بالعقود»

تمسک به قاعده «المسلمون عند شروطهم»

تمسک به موثقة اسحاق بن عمار

تمسک به نظریه شرط ضمنی

آزمون ۳۹

نظریه شرط ضمنی از اثبات کدام گزینه قاصر نیست؟

عمومیت جواز ردّ عوض معیوب در جمیع معاملات

جواز ردّ در صورت آگاهی از عیب قبل از معامله

جواز ردّ در صورت ایجاد تغییرات در عوض

جواز ردّ در صورت تیزی از عیوب قبل از معامله

با توجه به صحیحۀ زرارہ، در صورت ایجاد تغییر در عوض معیوب خیار ردّ متعین است و در صورت عدم تغییر مطالبۀ ارش متعین است.

درست

نادرست

با توجه به این که هر معامله کننده‌ای در ضمن عقد شرط می‌کند آن چه را معامله کرده سالم باشد، و اگر سالم نباشد خیار داشته باشد، لذا جواز ردّ عوض معیوب طبق قاعده قابل اثبات است.

درست

نادرست

با فرض عدم پذیرش حجیت شهرت فتوایی و اجماع منقول، جواز مطالبۀ ارش در چه صورتی جایز است؟

امکان ارش به سبب عدم حدث

امکان رد به سبب عدم حدث

عدم امکان رد به سبب حدث

امکان رد به سبب حدث

از آن جا که نکته ثبوت خیار عیب اختصاص به حالت جهل دارد، لذا دلیل اعتبار جهل در آن واضح است.

درست

نادرست

عدم اختصاص نظریۀ شرط ضمنی به عقد بیع دلیل ثبوت خیار عیب در همه معاملات است مگر در نکاح که جواز فسخ در آن اختصاص به عیوبی دارد که در محلّ خود ذکر شده است.

نادرست

درست

چرا روایت نقل شده از کتاب فقہ رضوی برای اثبات تخییر بین ارش و رد، قابل استناد نیست؟

چون اختصاص به ثبوت رد در صورت عدم تعذر ردّ دارد

چون دلالت آن با صحیحۀ زرارہ در تعارض است
چون اختصاص بہ ثبوت ارش در صورت تعذر ردّ دارد
چون استناد کتاب بہ امام علیہ السلام ثابت نیست
کدام گزینه از احکام مشترک بین خیار غبن و خیار عیب نیست؟

سقوط خیار در صورت تبّری

اعتبار جہل در ثبوت خیار

ثبوت خیار با تمسک بہ نظریہ شرط ضمنی

عمومیت خیار برای بائع و مشتری

نظریہ شرط ضمنی از اثبات خیار عیب در صورت آگاهی از عیب یا تبّری از آن قاصر است.

نادرست

درست

آزمون ۴۰

دلیل اعتبار عدم شرط تأخیر پرداخت مبیع یا ثمن در ثبوت خیار تأخیر چیست؟

تقیید صحیحہ زرارہ بہ فرض اشتراط می‌باشد

انصراف صحیحہ زرارہ بہ فرض عدم اشتراط می‌باشد

تقیید صحیحہ زرارہ بہ فرض عدم اشتراط می‌باشد

انصراف صحیحہ بہ فرض اشتراط می‌باشد

با توجہ بہ این کہ ہر یک از متعاملین در ضمن عقد برای خود این حق را محفوظ می‌داند کہ در صورت عدم امتناع دیگری از تسلیم بتواند معاملہ را فسخ کند، حق فسخ برای ہر یک از آن‌ها ثابت است.

درست

نادرست

گزینه صحیح درباره خیار تأخیر و جواز فسخ در صورت امتناع یکی از متعاملین از تسلیم عوض کدام است؟

خیار تأخیر شامل ہمہ عقود و جواز فسخ اختصاص بہ عقد بیع دارد

هر دو اختصاص به بیع نداشته و همه عقود را شامل می‌شود

هر دو اختصاص به عقد بیع دارد

خيار تأخير اختصاص به بیع و جواز فسخ شامل همه عقود می‌شود

ضعف سند صحیحة زراره به خاطر وجود علی بن حدید در یکی از طرق کلینی، در استناد به صحیحه برای اثبات خيار تأخیر ضرری نمی‌رساند، زیرا طریق دیگر کلینی به این صحیحه سالم است.

درست

نادرست

کدام گزینه از شرائط خيار تأخیر نیست؟

عدم اشتراط تأخیر

بقاء مبیع در نزد بایع

عدم قبض عوضین

امتناع یکی از طرفین از تسلیم

و قد یقال: ان نفی الامام علیه السلام البیع بقوله: «و الا فلا بیع له» یدل علی بطلان البیع اما من الاساس او بعد الثلاثه دون.....؟

جواز الرد للبايع

ثبوت الخيار للبايع

جواز الرد للمشتري

ثبوت الخيار للمشتري

آزمون ۴۱

از آن جا که ثبوت ارش نیاز به دلیل داشته و مختص به عیب است، گرفتن ارش در صورت تخلف مبیع از مشاهده سابق یا اوصاف ذکر شده، جایز نیست.

درست

نادرست

در صورتی که بعد از معامله معلوم شود، مبیع برتر و بر خلاف آنچه سابقاً مشاهده شده می‌باشد، چه کسی حقّ خیار رویت خواهد داشت؟

مشتری در صورت اعتماد بر مشاهده سابق یا اوصاف

مشتری در صورت عدم مشاهده مبیع در هنگام معامله

بایع در صورت اعتماد بر مشاهده سابق یا اوصاف

بایع در صورت مشاهده مبیع، هنگام معامله

صاحب خیار رویت بین کدام دو امر مخیر است؟

ردّ مبیع یا امساک آن

امساک یا مطالبه ابدال

مطالبه ارش یا ردّ مبیع

مطالبه ابدال یا فسخ معامله

در صورت عدم تمامیت استدلال به صحیحة جمیل بن دراج در اثبات مشروعیت خیار رویت، چه راهکار دیگری وجود دارد؟

تمسک به سیره عقلاء

تمسک به عرف متشرعه

تمسک به نظریه شرط ضمنی

تمسک به استصحاب

کدام گزینه در مورد خیار رویت درست نیست؟

لا یسقط ببذل البایع الارش

لا یسقط بالابدال بعین اخری

لا یتثبت الخیار للبايع و المشتري

لا یجوز المطالبة بالارش

آزمون ۴۲

چرا از وصف مرغوبیت انتزاع عنوان زیادت نمی‌شود؟

زیرا وصف مرغوبیت زیادی حکمی است

زیرا وصف مرغوبیت قائم به ذات نیست

زیرا وصف مرغوبیت زیادی عینی است

زیرا وصف مرغوبیت خارج از ذات نیست

کدام گزینه از شرایط تحقق ربا در بیع نیست؟

اتحاد در جنس

معدود بودن عوضین

زیاده عینی یا حکمی در یکی از عوضین

مکیل یا موزون بودن عوضین

دلیل مصنف بر عمومیت ربای معاملی نسبت به غیر بیع چیست؟

انصراف اطلاق اخبار به بیع

بی اساس بودن ادعای انصراف اطلاق اخبار به بیع

برائت از حرمت در غیر از بیع

برائت از حرمت در بیع

کدام مورد مصداق ربا نیست؟

۳ کیلو گندم نقدی در مقابل ۳ کیلو گندم نسیه

۳ کیلو گندم در مقابل ۶ کیلو گندم

۳ کیلو گندم مرغوب در مقابل ۳ کیلو گندم نامرغوب

۳ کیلو گندم در مقابل ۳ کیلو گندم با شرط دوختن لباس

دلیل عدم شمول ربا در غیر از قرض و بیع چیست؟

عدم انحصار ادله حرمت ربا در آن دو

عدم صدق زیادی در غیر آن دو

جریان برائت از حرمت در غیر از آن دو

ضرورت دینی حرمت ربا در غیر آن دو

با توجه به آن چه مقوم مفهوم ربا می باشد، اعتبار کدام یک از شرایط تحقق ربا واضح است؟

زیادتر بودن یکی از عوضین بر دیگری

مماثل بودن عوضین

همجنس بودن عوضین

مکیل یا موزون بودن عوضین

دلیلی که برای حرمت ربا وارد شده فقط در مورد قرض و بیع است، لذا در غیر از آن دو براءت جاری می‌شود.

درست

نادرست

دلیل شمول زیادی با زیاده حکمی، صدق تفاضل و عدم صدق بیع مثل به مثل با زیادی حکمی است.

درست

نادرست

آزمون ۴۳

گندم و جو در باب ربا بر خلاف باب زکات دو جنس محسوب می‌شوند.

درست

نادرست

کدام گزینه از استثنائات ربای حرام نیست؟

بین المسلم و الکافر الحربی اذا اخذ المسلم الزیادة

بین الوالد و الولد

بین الزوجات

بین المولی و مملوکه

هنگام فروختن طلای ساخته شده در مقابل ساخته نشده، چه امری لازم است؟

تساوی در مالیت

تساوی در مالیت بدون ضمیمه اجرت ساخت

تساوی در مقدار با ضمیمه اجرت ساخت

تساوی در مقدار

کدام گزینه در ارث بردن مال مخلوط به ربا درست است؟

لزوم الرد مع عدم تمیزه

یتعامل معه معامله مجهول المالک مع عدم تمیزه

لا یلزم الردّ مع عدم معرفة مالکة

لزوم الرد مع تمیزه و معرفة مالکة

گرفتن ربا، دادن آن و نوشتن آن حرام اما شهادت بر آن جایز است.

درست

نادرست

حکم کسی که با جهل به حکم ربا یا موضوع آن معامله ربوی کرده و توبه کرده چیست؟

در صورت شناخت مالک باید زیادی را بازگرداند

در صورت عدم شناخت مالک تکلیفی ندارد

باید بر مال به دست آمده از معامله ربوی حکم مجهول المالک را مترتب کند

بازگرداندن اموال حاصل از ربا واجب نیست

اوراق نقدی را در صورت مختلف بودن پول، حتی در صورت تفاوت در مالیت آنها می‌توان معامله کرد و اگر معامله به صورت نقدی باشد حتی در صورت متحد بودن پول نیز معامله جایز است.

نادرست

درست

آزمون ۴۴

معامله یک مثقال نقره مرغوب با یک مثقال نقره نامرغوب با شرط دوختن لباس مستلزم محذور ربا است.

درست

نادرست

اگر بایع به مشتری بگوید «برای من لباسی بدوز تا من برای تو یک مثقال نقره نامرغوب را با یک مثقال نقره مرغوب معامله کنم»، معامله مذکور چه حکمی دارد؟ به چه دلیل؟

باطل است، به دلیل زیادی حکمی بودن اشتراط خیاطی

صحیح است، به دلیل عدم مکیل یا موزون بودن خیاطی

باطل است، به دلیل لزوم تساوی بین عوضین همجنس

صحیح است، به دلیل صحیحه ابی صباح کنانی

دلیل جواز بیع نقدی پولها در صورت اتحاد در نوع با فرض تفاضل بین عوضین، چیست؟

مکیل و موزون نبودن عوضین

تساوی عوضین در مالیت

عدم تحقق زیادی عوضی از عوض دیگر

اختلاف جنس عوضین

معامله نسیه اوراق نقدی در صورت اتحاد در نوع با فرض تفاضل چه حکمی دارد؟ چرا؟

صحیح است، زیرا عوضین موزون نیستند

باطل است، زیرا در تحقق زیادی فرقی بین اضافه عینی و حکمی نیست

باطل است، زیرا واقعیت آن به قرض بازگشت می‌کند

صحیح است، زیرا عوضین همجنس نیستند

با توجه به عدم موزون بودن پولها معامله آن به صورت نسیه حتی در صورت اتحاد در نوع جائز است.

درست

نادرست

کدام یک از گزینه‌ها از ادله لزوم تساوی بین عوضین در معامله طلای ساخته شده با ساخته نشده، نمی‌باشد؟

همجنس بودن عوضین

عدم اختلاف اصحاب در این مساله

صحیحه ولید بن صبیح

موزون نبودن عوضین

آزمون ۴۵

بدون پذیرش قاعده انجبار ضعف سند با عمل مشهور، استدلال به روایات برای اثبات عدم حرمت ربا بین موارد استثناء شده، به دلیل ضعف دلالت تمام نیست.

درست

نادرست

قاعده اولیه «الاحکام تدور مدار الاسماء» مستند کدام یک از گزینه‌های زیر می‌باشد؟

عدم اتحاد جنس جو و گندم در غیر باب ربا

عدم اتحاد جنس جو و گندم در باب ربا

اتحاد جنس جو و گندم در غیر باب ربا

اتحاد جنس جو و گندم در باب ربا

کدام گزینه از مستندات حکم عدم وجوب ردّ زیادی برای جاهل به حکم ربا، بعد از آگاهی و توبه نیست؟

صحیحہ ابی المغرا: ... و لکن قد اختلط فی التجارة بغیره حلال، کان حلالاً طیباً فلیأکله

صحیحہ ابی المغرا: کل ربا أکله الناس بجهالة ثم تابوا فانه یقبل منهم

بقره/ ۲۷۵: فمن جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف

صحیحہ هشام بن سالم: لایضره حتی یصیبه متعمداً

چرا مصنف از فتوای به حرمت ربا بین والد و ولد، زوجین و مولی و مملوک اجتناب کرد؟

پذیرش قاعده جبران ضعف سند با عمل مشهور

پرهیز از مخالفت با مشهور

عدم قبول قاعده جبران ضعف سند با عمل مشهور

ضعف سندی روایات مورد استناد

حکم حرمت رباى دریافتی از کافر حربی طبق چه قاعده‌ای صحیح می‌باشد؟

عدم حرمة اموال الحربی

الاحکام تدور مدار الاسماء

الاقتصار فی مخالفة القاعده علی مورد النص

انجبار ضعف السند بعمل المشهور

مستند حکم به حرمت اخذ، دفع، کتابت و شهادت بر ربا کدام گزینه است؟

روایت عمرو بن جمیع از پیامبر صلی الله علیه و آله

صحیحة محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام

صحیح ابی مغرا از امام صادق علیه السلام

روایت زراره از امام صادق علیه السلام

آزمون ۴۵

ارشاد امر وارد در نصوص بیع صرف به شرطیت، کدام حکم را ثابت می‌کند؟

شرطیت تساوی بین عوضین در صورت اتحاد جنس آن دو

شرطیت احکام بیع صرف برای طلا یا نقره غیر مسکوک

شرطیت تقابض عوضین قبل از افتراق در معامله طلا یا نقره و بالعکس

شرطیت تقابض عوضین قبل از افتراق برای صحت بیع صرف

ملاک افتراق در بیع صرف چیست؟

افتراق از مجلس بیع

افتراق طرفین همراه با افتراق از مجلس بیع

افتراق از مجلس بیع یا افتراق طرفین معامله

افتراق طرفین معامله از یکدیگر

با توجه به شرطیت تقابض در صحت بیع صرف، کدام گزینه صحیح است؟

عدم تقابض در بیع صرف مستلزم حق فسخ است

عدم تقابض در بیع صرف مستلزم رباست

عدم تقابض در بیع صرف موجب بطلان است

عدم تقابض در بیع صرف گناه است

آیا حکم صرف در بیع اوراق نقدی با این فرض که پشتوانه آنها طلا یا نقره است، جاری می‌شود؟

بله؛ چون طلا و نقره پشتوانهٔ اوراق نقدی هستند

خیر؛ زیرا معامله بر اوراق نقدی جریان دارد

بله؛ چون اوراق نقدی از طلا و نقره نیستند

خیر، چون اوراق نقدی در حکم طلا و نقره هستند

دلیل مساوی بودن عوضین در بیع صرف در صورت وحدت جنس، محفوظ ماندن از رباست.

درست

نادرست

آزمون ۴۶

آیا حکم صرف در بیع اوراق نقدی با این فرض که پشتوانهٔ آن‌ها طلا یا نقره است، جاری می‌شود؟

خیر، چون اوراق نقدی در حکم طلا و نقره هستند

بله؛ چون اوراق نقدی از طلا و نقره نیستند

خیر؛ زیرا معامله بر اوراق نقدی جریان دارد

بله؛ چون طلا و نقره پشتوانهٔ اوراق نقدی هستند

ملاک افتراق در بیع صرف چیست؟

افتراق از مجلس بیع

افتراق طرفین همراه با افتراق از مجلس بیع

افتراق از مجلس بیع یا افتراق طرفین معامله

افتراق طرفین معامله از یکدیگر

با توجه به شرطیت تقابض در صحت بیع صرف، کدام گزینه صحیح است؟

عدم تقابض در بیع صرف گناه است

عدم تقابض در بیع صرف مستلزم حق فسخ است

عدم تقابض در بیع صرف مستلزم رباست

عدم تقابض در بیع صرف موجب بطلان است

ارشاد امر وارد در نصوص بیع صرف به شرطیت، کدام حکم را ثابت می‌کند؟

شرطیت احکام بیع صرف برای طلا یا نقره غیر مسکوک

شرطیت تساوی بین عوضین در صورت اتحاد جنس آن دو

شرطیت تقابض عوضین قبل از افتراق برای صحت بیع صرف

شرطیت تقابض عوضین قبل از افتراق در معامله طلا با نقره و بالعکس

دلیل مساوی بودن عوضین در بیع صرف در صورت وحدت جنس، محفوظ ماندن از ریاست.

نادرست

درست

دلیل اختصاص لزوم تقابض قبل از افتراق به بیع صرف و عدم شمول آن نسبت به صلح چیست؟

عدم اختصاص لزوم تقابض به صلح

اختصاص لزوم تقابض به بیع

اختصاص روایات باب صرف به بیع

عدم مستقل بودن عقد صلح

دلیل عمومیت احکام بیع صرف نسبت به طلا و نقره غیر مسکوک چیست؟

اطلاق نصوص بیع صرف

صحیحه منصور بن حازم

تسالم و عدم قول به فصل

صحیحه محمد بن قیس

دلیل لزوم تقابض عوضین قبل از افتراق متبایعین در معامله طلا با طلا یا نقره با نقره چیست؟

تسالم و عدم قول به فصل

ظهور امر در معاملات در حکم تکلیفی

اطلاق نصوص باب بیع صرف

ظهور امر در معاملات در ارشاد به شرطیت

دلیل قول منسوب به محقق اردبیلی، عدم صراحت روایات در لزوم قبض و اقباض است زیرا به نظر ایشان تعبیر «یدا بید» کنایه از مدت‌دار بودن عوضین است و دلالتی بر لزوم تقابض قبل از افتراق ندارد.

نادرست

درست

در صورت اختلاف جنس عوضین در بیع صرف، نباید هیچ یک از عوضین مؤجل باشد زیرا مدت دار بودن مستلزم زیادی حکمی و موجب ربا می‌شود.

نادرست

درست

آزمون ۴۷

با توجه به اطلاق ادله خاصه و عامه و فقدان مانع، صحت نظریه ابن جنید مبنی بر عدم جواز بیع سلف در صورتی که هر دو عوض، عرض باشند، واضح است.

نادرست

درست

کدام گزینه از شرایط بیع سلف می‌باشد؟

قبض ثمن قبل از افتراق

عدم تقابض عوضین قبل از افتراق

تقابض عوضین قبل از افتراق

قبض یکی از عوضین قبل از افتراق

در صورتی که عوضین در معامله سلف مکمل یا موزون باشند، رعایت چه شرطی لازم است؟

اتحاد جنس عوضین

اختلاف جنس عوضین

تساوی مقدار عوضین

عدم تساوی مقدار عوضین

اگر گفته شود صلح در مواردی که فایده بیع را دارد، عقد مستقلی نیست و همان بیع است، احکام سلف شامل صلح نیز می‌شود.

درست

نادرست

کدام گزینه از شرایط لازم بیع سلف نیست؟

تمکن بایع از تحویل مبیع در مکان شرط شده

تعیین مکان تحویل کالا

تعیین زمان تحویل کالا

تعیین مقدار کالا

در صحت بیع سلم بین اصحاب اختلافی نیست و مشروعیت آن علاوه بر ادله عامه مانند «أحلّ الله البیع» مستند به روایات خاصه مانند صحیحۃ زراره و موثقه غیاث بن ابراهیم نیز می‌باشد.

درست

نادرست

بیع سلف در کدام یک از موارد زیر جائز نیست؟

طلا یا نقره نبودن هر دو عوض

عدم طلا یا نقره بودن هر دو عوض

طلا یا نقره بودن هر دو عوض

طلا یا نقره بودن یکی از دو عوض

کدام گزینه از دلایل عدم صحت معامله سلم در صورتی که عوضین طلا یا نقره باشند، نیست؟

عدم جواز مدت دار بودن تحویل یکی از عوضین

لزوم ربا در صورت اختلاف جنس عوضین

بازگشت معامله به صرف و لزوم تقابض عوضین

لزوم ربا در صورت اتحاد جنس عوضین

در بیع سلم با مکیل یا موزون بودن هر دو عوض، باید اتحاد جنس عوضین و در صورت اختلاف جنس، باید عدم مکیل یا موزون بودن عوضین رعایت شود.

درست

نادرست

آزمون ۴۸

کدام قسم از معاملات موضوع موثقة يعقوب بن شعيب می باشد؟

سلف

سلم

نسيه

صرف

در صورت فقدان کدام یک از شرائط بيع سلم، قصد به بيع محقق نخواهد شد؟

تعيين مقدار مبيع

ذكر اوصاف مبيع

تعيين زمان تحويل مبيع

تمکن بايع از تحويل مبيع در زمان مقرر

بيع سلم در کدام یک از موارد زیر مستلزم ربا می باشد؟

اذا كان العوضان من المكييل أو الموزون مع اتحاد الجنس

اذا كانا العوضان من المكييل أو الموزون مع اختلاف الجنس

اذا كانا العوضان من غير المكييل أو الموزون مع اتحاد الجنس

اذا كانا احد العوضين من العروض و الآخر الذهب أو الفضة

با توجه به اعتبار معلوم بودن اوصاف و مقدار عوضين در مطلق بيع، اين شرائط در سلم نیز معتبر می باشند.

درست

نادرست

اثبات کدام یک از احکام زیر با تمسک به نظرية شرط ضمنی، امکان پذیر است؟

عدم جواز الفسخ بزيادة على الثمن أو المثمن في صورة تعذر البائع على تسليم المبيع

اعتبار امکان البائع للدفع المبيع في الوقت و المكان المقررين

جواز التراضی على شيء آخر

ثبوت حق الفسخ للمشتري اذا عجز البائع عن دفع المبيع

کدام یک از گزینه‌های زیر از دلایل عدم جواز فسخ با زیاده یا نقصان بر ثمن نمی‌باشد؟

مقتضای فسخ

موثقة عبدالله بن بكير

مقتضای قاعده

صحيحة محمد بن قيس

قول مناسب در صورت عدم تمامیت اجماع برای اثبات اعتبار قبض ثمن قبل از تفرق در بیع سلم چیست؟

فتوای به لزوم قبض قبل از تفرق

احتیاط در لزوم قبض قبل از تفرق

فتوای به عدم لزوم قبض قبل از تفرق

احتیاط در عدم لزوم قبض قبل از تفرق

کدام گزینه مستلزم غری شدن بیع سلم می‌گردد؟

عدم تمکن بایع از تحویل کالا در مکان مقرر

عدم قبض ثمن قبل از تفرق متبایعین

عدم تعیین زمان تحویل مبيع

عدم تمکن بایع از تحویل کالا در زمان مقرر